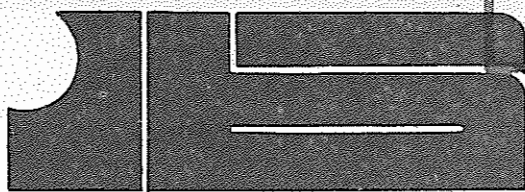


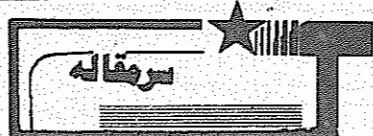
کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



پایگاه داخلی  
سرویس اطلاعاتی  
امپریالیسم آمریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم - شماره ۱۴۳ چهارشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۶۰ صفحه ۲۰



### نظامی گری و ارتجاع سیاسی

دکتر با نکی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه بودجه طی مصاحبه ای که در مطبوعات ۱۴ دیماه منتشر شد، اعلام کرد که "اولویت بودجه سال آینده به جنگ و تقویت بنیه ارتش و تولید صنایع داده شده و پس از آن نیز به رشد و گسترش صنایع تولیدی، کشاورزی و صنعتی توجه شده است". این گفتار یک مقام مسئول امور اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی، بیان خط و مشی عمومی دولت در زمینه های اقتصادی و سیاسی در یک سال آینده است.

اولیاتی که رژیم جمهوری اسلامی در بودجه سال آینده خود به هزینه های جنگی اختصاص داده است، در وجه سیاسی بیان گرایش به میلیتاریسم و نظام منگریست که از سرشت فدخلقی رژیم و سیاستهای تجاوز کارانه و ما جرای آن ناشی میگردد. اساسا در جوامع سرمایه داری، دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی بر یک ماشین نظامی مبتنی است تا طبقه حاکم با تکلیف آن از یکسوی توده های تحت ستم ادرانقیاد نگاهدارد، و از سوی دیگر در خدمت سیاستهای تجاوز کارانه و ما جرای آن قرار گیرد. هر آنچه که نظام سرمایه داری - گندیده تروپوسیده تر میگردد، هر آنچه که تضادهای طبقاتی از حدت بیشتری برخوردار میگردند، هر آنچه که بورژوازی در برابر نیروهای بالنده و سیر پیشرونده تاریخ بیک نیروی ارتجاعی تر تبدیل میگردد، رشد این دستگاه انگل که هزینه های آن

بقیه در صفحه ۲

## بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد



۱۱ دیماه (اول ژانویه) سالگرد انقلاب کوبا است. سالگرد انقلابی که در ۲ دسامبر ۱۹۵۶ (۱۲ آذر ۱۳۳۵) با حمله مسلحانه فیدل کاسترو و ۸۰ چریک انقلابی، بوسیله گشتی کوچک موتوری گرانما، به یکی از سواحل کوبا آغاز شد و در اول ژانویه ۱۹۵۹ با فرار ریاستا دیکتا تور کوبا و ورود تیروهای انقلابی به هاواتا بینه پیروزی رسید.

سرتکونی رژیم دیکتاتوری و تصرف قدرت توسط انقلابیون در کوبا، برای کوبا ثبات به مفهوم آغاز مبارزه ای بسن بزرگتر بود، مبارزه علیه توطئه های

بقیه در صفحه ۴

## ارزیابی ذهنیت حاکم بر توده ها

- آبان و آذر ۶۰ -

مشخصه اصلی این مقطع، که از میان عدها گزارش و خبر که به دست ما رسیده است - جمع بندی شده عبارات است از شکل گیری حرکات جمعی مبارزاتی، بروز نسبتا علنی اعتراضات و بحثهای سیاسی خود بخودی بودن اشکال مقاومت و مبارزه - توده ها، کاتالیزه شدن خشم و کین توده ها بسوی خمینی، پاسدارن و جاسوسان رژیم، عدم حضور فعال پیشرو در مبارزات توده ها.

بقیه در صفحه ۱۱

در این دو ماهه سیر سریع تحولات تاثير خود را بر ذهنیت حاکم بر توده ها نیز برجای مینهد. انقلاب نه تنها در عمق که در سطح نیز جریان می یابد و سیر و به رشد مبارزات و اعتراضات توده ها وارد مراحل عالیتری میگردد. شراره های انقلاب از پس خاکستر رعب و وحشت سر میزند، توده ها با ردیگر آرام آرام وارد میدان میشوند، جورعب و وحشت تضعیف میگردد و نوشته های از شکستن آن در گوشه و کنار نمود می یابد.

## ابعاد نوینی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی

### سخنی کوتاه با اقلیت های مذهبی

تشدید ستم دوگانه ای بودن که بر آنان روا میشود، آنان شا همدونند که با ردیگر نه تنها با ایدتای مطالب و دستمهای طبقاتی، - تمام می سرکوبها و دمنشیهای رژیم جمهوری

بقیه در صفحه ۱۳

اعمال و وحشانه رژیم جمهوری اسلامی اینک سربه جنون زده است، این مساله در رابطه با تمامی اقشار و طبقات خلق نمایان است. اقلیت های مذهبی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. اقلیت های مذهبی از شروع حکومت جلادان جمهوری اسلامی شاهد

## تبلیغ و چگونگی پیشبرد آن در مراکز تجمع توده ها

صفحه ۵

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمگراتیک خلق

### در این شماره

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- مردم چه میگویند؟ مردم...
- نقد و بررسی یک گزارش
- گزارشهای روس تائی

### نظامی گری و ارتجاع سیاسی

بقیه از صفحه ۱

مستقیما "برگرفته از حجتکشان جا معه قرار - دارد، وگرایش به میلیتاریسم در سیاستهای بورژوازی بیشتری کرده. واقعیتی است که این ویژگی بورژوازی را در دولت‌های امپریالیستی به عالی ترین وجه خود نمود می‌یابد، و هم اکنون میلیتاریسم بعنوان جزء لاینفک نظام اقتصاد سیاسی دول امپریالیستی - آمده است، اما این گرایش در دولت‌های ارتجاعی حاکم بر کشورهای وابسته و تحت سلطه در سطحی دیگر نمود می‌یابد.

پیش از بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی، رژیم ارتجاعی شاه در جهت پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته، حفظ و حراست از منافع امپریالیستی در منطقه خاورمیانه و بقاء موجودیت ننگین خود شدت به میلیتاریسم و نظامی گری گرایش یافته بود. رژیم مزدور شاه که علاوه بر سرکوب توده های زحمتکش و تحت ستم ایران نقش ژاندارمی منطقه و سرکوب جنبشهای انقلابی ملت تحت ستم منطقه را نیز برعهده گرفته بود، مدام در جهت تقویت ارگانهای سرکوب بورژوازی ارتش گام برمیداشت. این ماشین عظیم سرکوب همه ساله بخش عظیمی از درآمد های ملی را می بلعید، و فشار این هزینه های نظامی که بخشی از آن مستقیما بحیث ارتعاجات امپریالیستی مسرفست و بخش دیگر آن غیر مستقیم در خدمت امپریالیسم و منافع آن قرار داشت، توده های مردم را به مبارزه علیه این سیاستها برانگیخت و یکی از خواستهای برجق مردم در انقلاب نه تنها گستاکات مل با هرگونه میلیتاریسم بلکه اساسا "در هم شکستن ماشین ارتش بعنوان ابزار سرکوب بورژوازی و امپریالیسم بود، که بعنوان یک موجودات نکل همه ساله بخش عظیمی از درآمد ملی را می بلعید.

سران خیانتکار جمهوری اسلامی و در رأس آنها خمینی که پیش از بقدرت رسیدن خود به مردم وعده میدادند که با برافشاندن رژیم شاه با سیاستهای میلیتاریستی او نیز قطع رابطه خواهد شد و دیگر مردم ایران مجبور نخواهند بود، همه ساله بخش عظیمی از درآمد خود و ثروت ملی را به هزینه های گرفتند، بلکه در تعقیب سیاستهای ماجرا - این دستگاها نکل - اختصا به دهند، بیس از کسب قدرت بنا به ماهیت ضد خلقی خود،

نه تنها بخاطر طرفه - موجودیت خود و نظام اقتصاد دی - اجتماعی حاکم، این دستگاها نکل را حفظ نمودند و نرا بخد مسست سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی خود جویا نه وتجا وزگاران نه ان اسلامیستی خود، هزینه های با زهم بیشتر را به این دستگاها حفظ می اختصا می دادند. رژیم - جمهوری اسلامی نه تنها از هزینه های نظامی نکاست بلکه با گسترش این موجودات نکل که اینک علاوه بر ارتش، شهرپا نی و ژاندارمری و... سپاه پاسداران و کمیته ها و... نیز پیدان افزوده شده است بخش دیگری از درآمد ملی را با این موجودات نکل اختصا به داد، و در تعقیب سیاستهای ماجراجویانه خود که جنگ با دولت عراق را ایجاد نمود، هم اکنون در وضعیتی قرار گرفته است که خود را مجبور می بیند که - اشکارا و بصراحت اعلام کند، که در بودجه سال آینده اولویت به هزینه های نظامی اختصا می یافته است. البته سران رژیم جمهوری اسلامی می کوشند تا چنین وانمود کنند که گویا اختصا به بخش عظیمی از درآمد های ملی به هزینه های نظامی، تنها از مقتضیات شرایط جنگی موجود ناشی میگردد. اما گرچه در این گفتار - واقعیتی نیز نهفته است، اما این جنگ از یکسوی آن سیاستهای ماجراجویانه و تجا وزگاران نه ان اسلامیستی رژیم جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر سر ما هیت ضد خلقی رژیم و گرایش آن بسوی نظامیگری اختصا به این هزینه ها را با مور نظامی احتجاب نا پذیر می سازد. حتی اگر جنگ کنونی نیز با این یافته بود، باز هم ما شهادت اختصا به بودجه های کلانی به امور نظامی می بودیم، زیرا که این امر از ماهیت سیاستهای داخلی و خارجی رژیم، سرکوب توده های مردم در داخل و کمک به ارتجاع منطقه، سیاستهای ماجراجویانه با ناسلامیسم و از خصلت انگلی دولست ناشی میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی در عمل دامنه دهنده همه سیاستهای رژیم شاه است، و تردیدی نیست که اختصا به بخش عظیمی از بودجه مملکتی به امور نظامی بمعنای سرازیر کردن بخشی دیگر از ثروت های ملی بحیث ارتعاجات نظامی امپریالیستی محسوب میگردد. مشسی عمومی دولت در زمینه های اقتصادی و سیاسی که در بودجه سال آینده انعکاس - یافته است، نتیجه ای جز تشدید فقر و فلاکت عمومی در بر نخواهد داشت زیرا در حالی که جا معده یک بحران اقتصادی

مزمین و ژرف روبروسته در حالیکه بیگاری فقر و گران، کمبود ما یحتاج مردم انعقاد و حشنا کی بخود گرفته است، در حالیکه صنایع در رکود مطلق بسر می برند، و بحران صنعتی مدام به حیطه های دیگر زندگی - اقتصاد گسترش می یابد، و اختصاصا به کشاورزی گسترش می یابد، اختصاصا به بودجه های کلان به هزینه های نظامی و اختصا به هزینه های نا چیز به تولیدات صنعتی و کشاورزی نتیجه ای جز تلاش برای سرانظام اقتصاد و نا بودی هر چه بیشتر نیروهای مولد در بر نخواهد داشت. رشد میلیتاریسم و گرایش به نظامیگری که بحیثی با زرد بودجه دولت انعکاس یافته است، بیوندمیان گرایش به قهر و سرکوب و ارتجاع سیاسی را که در سلسله هر گونه دمکراسی انعکاس می یابد، ریشه های نظامی و تقویت دستگاها های سرکوب مادی دولت نشان میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که حکومت خود را بر پایه قهر و سرکوب، سلب ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده های مردم قرار داده است، رژیم بقاییت - ارتجاعی است که بیوندمیان این - سیاستهای خود را با تقویت دستگاها های سرکوب و گرایش به نظامیگری را در بودجه سال آینده منعکس ساخته است. ارتجاع سیاسی و گرایش به میلیتاریسم، دو جز لاینفک سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد.

از این رو اختصا به بودجه های کلان به امور نظامی بیگاری دیگران واقعیت را با شیات میرساند که تنها راه نجات توده های مردم از شر ارتجاع حاکم و فلاکت اقتصادی نه تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بلکه درهم شکستن تمامی ما شین دولتی بورژوازی و رکن اساسی آن ارتش و تمام ارگانها و نهادهای مادی سرکوب است.

تنها بر این اساس است که توده های مردم از شر هزینه های نظامی نجات می یابند اما تنها یک طبقه و آنهم طبقه کارگران است که قادر است ما شین دولتی حاکم و اس و اساس آن یعنی ارتش و بوروکراسی را که همه ساله بخش عظیمی از ثروت ملی و درآمد ملی را می بلعند درهم شکند، و جا معده از شر این موجودات نکل که حیات آنها بسا حیات طبقات استئما رگر پیوند دارد، نجات بخشد.



- شی انجام گرفت که در وزارت آموزش و پرورش، برنا مه ریزی و پیشبرد امور را برعهده داشتند.

در سال ۱۹۶۸، معیار حداقل سواد از توانا شی خواندن و نوشتن به اخذ مدرک - شش ابتدائی ارتقاء یافت. در سال ۱۹۷۶ از نه میلیون نفر جمعیت کوبا، ۶۰۰ هزار کارگر، دهقان و ما هیکبر در حال اخذ مدرک سیکل اول و دیپلم متوسطه بودند و بیش از ۴۸٪ از دانشجویان را فرزندندان کارگران تشکیل میدادند. در شما ره آینده در برنا مه بهداشت سوسیالیستی در کوبا ای انقلابی، هم چنین چگونگی ایجاد ارتش خلقی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا سخن خواهیم گفت.

دستگیر شدند. بلافاصله اجرای طرح مجددا " آغاز شد و پس از گذشت نه ماه تمام خلق کوبا فریاد برآورد که " ما پیروز شدیم " چرا که دیگر بیسوادى در این کشور نبود. طی حدود دو سال پس از انقلاب، یک میلیون روستائی بیسواد خواندن و نوشتن آموختند. و نیز صدها هزار دانش آموزان نشجو که نسل کنونی کوبا را تشکیل میدهند، فرصت یافتند تا دیوارسیاه موجود میان شهروستان را در هم کوبیده، فقر و ستم را در بر نهیدستان را المص کنند و بدینسان آما ده پذیرش و فهم ما ر کسبیم. لنینیسم کردند، و اکنون تمام شی خلق کوبا اذعان دارند که اگر چه بیست سال قبل همگی ما ر کمونیست را نیاموخته بودند، اما این مهم بر پایه قدرت و کوشش خستگی نا پذیر ما ر کسبیستها

### بیست و سومین سالگرد...

بقیه از صفحه ۴  
افراد خا نواده به کار در مزرعه بنبردا زد و شنبها به تمام شی آنها خواندن و نوشتن را بیاموزد. از آنجا شیکه تعداد دانشماری از سالمندان دارای ششما نی ضعیف بودند، این افراد بسوسله پزشکی که به همین منظور بسج شده بودند معا بنه شده و در نتیجه بیش از صد هزار عینک در اختیار آنان قرار گرفت. همزمان با آغاز اجرای طرح عظیم وسراسری، امپریالیسم آمریکا دست به یک تهاجم نظامی از طریق "خلیج خوکها" علیه کوبا زد. این حمله توسط نیروهای مسلح انقلابی و ما دگی تمام خلق ظرف ۷۲ ساعت دفع شد و بیش از هزار کوبا شی تسعیدی مزدور آمریکا

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

## مبارزات کارکنان گاز منطقه حد فاصل اهواز - آغا جاری

در تاریخ ۶۰/۸/۳۰ رئیس منطقه گاز خوزستان بنا به شمی که سابقه ساواکی بودن او سال گذشته توسط یکی از گروه های سیاسی افشاء شده بود برای باز دیدیه - کارخانه آمده بود و چون بدلیل شرایط جنگی حاکم بر اهواز پراکنده بودن منازل مسکونی کارگران سرویس رفت و آمد - کارگران و کارمندان چند دقیقه بعد از وقت اداری به کارخانه میرسد لذا دستور داد تا برای رسیدگی به این مسئله رئیس روابط کارکنان که معاون منطقه نیز - میباشند و رئیس عملیات که این دو نفر - فوق الذکر نبودن داشتن صلاحیت و سابقه کار کافی بدلیل اینکه از اعضای انجمن اسلامی هستند، اخیراً این سمت را اشغال کرده اند و همچنین رئیس اداره حمل و نقل و رئیس کل اداره تعمیرات و رئیس خدمات فنی روز بعد یعنی در ۶۰/۹/۱ به کارخانه آمده و این مسئله را رسیدگی نمیدانند. در تاریخ ۶۰/۹/۱ کلیه افراد نامه برده به لایه کارخانه آمده و کارگران و کارمندان نیز خود را آماده با سخگوشی به آنها نموده بودند. در این جلسه مسائل مختلفی مطرح گردید، ابتدا مسئله رفت و آمد کارکنان مطرح شد که رئیس منطقه میگفت کارگران و کارمندان اگر نمی توانند بموقع بیهوده اداره بیایند باید هر روز صبح ساعت ۵ صبح خود را به محل اداره مرکزی شرکت واقع در فاصله چهار رزیر برسانند، یکی از کارگران در جواب گفت: همیشه ما شین ما را از جلوی خانه ها بمان سوار میکنند و اکنون بدلیل اینکه کارکنان پراکنده هستند و جنگ است یکی از شرق اهواز دیگری از جنوب اهواز سوار میشوند و سرویس های جمع آوری - کارگران راه شما قطع کرده اند. در نتیجه ۲ ساعت هم قبل از وقت سوار بشویم با زسروقت نمی رسیم و حالا هم که شما میگویید ما شین نباید در خانه کسی بیرون بیایند یعنی که این امکانات را ما طبعی ما لیا مبارزه بدست آورده ایم و حالا چه نمی دهیم شما برای اجتناب از ما بگریزید بلکه با پیدرسوین ها را اضافه نمائید تا ما بتوانیم بموقع سرکار بیاییم بعد از بحث وجدل های فراوان سرانجام کارگران و کارمندان موفق شدند که همان طور طبق برنامه سابق خود بسرکار بیایند و رئیس منطقه هم مجبور شد دو دستگا ه دیگر مینی بوس به سرویس کارکنان اضافه - نماید. مسئله دیگری که مطرح شد مسئله مسکن کارکنان بود. اوایل جنگ کارگران و کارمندان ساکن اهواز توانسته بودند بدلیل شرایط جنگی در اهواز شرکت را مجبور نما یند که به هر کارگری کارمندی یک اتاق از مهمانسرای میانکوه - واگذار نمایند تا کسی تیکه خانه نداشته باشد در مناطقی است که بیشتر مورد حمله قرار میگیرند خانه های خود را به میانکوه (آغا جاری) ببردند ولی بعد از چند ماهه رئیس منطقه فوق الذکر که تا ز به این منطقه آمده بود حدود ۵ ماه پیش بخشنا آمد ای ساکنان در نمودن آن به همه کارکنان تیکه در میانکوه طاق گرفتند انداخته و رگزد که چنانچه اظا قهای میانکوه را تخلیه نکنند و خانه ها داشته باشند با اهواز زنیاروند از هر کداه روزانه ۱۶۰ تومان از حقوقشان



### جنگ کارگری

برمیاید و رندو کارگران هم بدلیل اینکه خانواده هایشان در اهواز قانمین - نداشتند و دانشما "اهواز مورد حملیه توپخانه قرار میگیرد" ضربه انجام یکنار نمی شوند و از طرفی بهیچ وجه قاندریسه برادرت روزانه ۱۶۰ تومان نیز نبودند کشمکش و تهدیدهای رئیس منطقه ادامه داشت تا با آخرین رئیس منطقه در این ماه حسابداری را تحت فشار قرار داد و از بعضی کارگران از حقوقشان را برداشت نمود، کارگران که از این کار رشتند - خشمگین و عصبانی بودند رئیس منطقه را مورد حمله شدید قرار داد و حتی نزدیکی بود و از آنکت بزند یکی از کارگران - با و میگفت: بی انصاف من همه ات حقوقم روزی ۱۳۰ تومان است و آنوقت شوگفته ای روزی ۱۶۰ تومان از آن کم کنی من به بچه ها هم چه بدم بخورند. دیگری میگفت: ما همه میدانیم که توستا و اکی هستی و سابقه تورا در کارگاه میدانیم و حالا سلامی شده ای و همان روش ضد کارگری را دنبال میکنی، با آخرین روز تویت ما هم میرسد آنوقت میدانیم! مثال توجه ما بدینکم - دیگری میگفت: تو همان دزد معروف هستی که حمل و نقل را چاپیدی، خیال میکنی ترانمیتنا سیم که حالا ازت سلامی برای ما میگیری، رئیس منطقه که یک عنصر ضد کارگراست میگفت: همین است، هر کس نمیخواهد بفرما یزدنیال کارش، در جواب یکی از کارگران که خیلی عصبانی بود در حالیکه به او حمله میکرد گفت: در وقت دزد مگر شرکت ما ل توست، شرکت ما ل ما ست و آنرا با پوست و استخوان خودمان درست کرده ایم و حفظ هم میکنیم و اجازه نمی دهیم که توستا و اکی دزد ما حب همه چیز بشوی و بگوشی هر کس نمیخواهد بفرما یزدنیال کارش، ما با آخرین ترا اگر هزار - انجمن اسلامی پشت سرت باشد میفرستیم دنیال کارت، این گفتگوهای خشنوت بار تا ساعت ۱۲ ادامه داشت و بدون بدست آمدن نتیجه مشخصی رئیس منطقه، کارخانه را ترک نمود ولیکن کارگران و کارمندان دنیال مسئله را رها نکردند و همچنان با تا مه و تلفن خواستار رسیدن دادن حقوقشان بودند تا اینکه دوروز بعد رئیس منطقه - بخشنا مدای ما در نمود مینی برای اینکه برای رسیدگی مسئله مسکن شورا ای تشکیل شود و از هر داه ریک نفر نماینده بیرون و مدیریت هم نمایندگان نمایندگان نش را بفرستند تا رسیدگی شود. حالا کارگران مجدداً دنیال تشکیل این شورا هستند. (توضیح: تعداد کارکنان این شرکت ۷۰ نفری باشد)

## بندر خمینی اجاف و فتنای ربرکاران

همچنان سرویسهای راطی میکنند بار - شماران جز کارکنان - اشکده - بیشترین فشار را بر - سابق تحمل میکنند - و با رگیری سازمانها - فقط شمارش یک - انبارها را متوجه اند بعبه - بکیرد، اخیراً "مدیر بندر فتنای ربرکاران" است که هر بار شمارش با یجداد اکثر آنها - انبارها را شمارش نماید و البته با دقت کافی - اینکار ریخا طر عدم استفاده مکارگران جدید - و پرداخت حقوق بیشتر انجام گرفته است - از آنجا تیکه میزان کالای وارداتی بطرز وحشتناکی رونبه افزایش مییابد، حتی شمارش دقیق یک انبار نیز از عهدیه یک فرد خارج است چه رسد به چند انبار. این امر باعث ناراحتی شدیداً شماران شده است. سایر کارگران تخلیه و با رگیری نیز در وضع بسیار اسفناوری بسر میبرند. به با ربران روزانه حدود ۴۵ تومان مزد میدهند. این مزد در مقابل کار راطی است - فرسای مربوطه و اقعا "ناچیز و نا کافی است. کارگری میگفت: نصف به این زندگی که ما داریم، واضح تا شب جان بکن برای ۴۵ تومان. با این پول چکارا بدکنی، گوشت کیلویی صد تومان با بدخریدوبی... کارگر دیگری میگفت: باور کنید روزی که اینجا آدم ۵۰۰ تومان نا خوددانشم و حالا که ده روز از آن تاریخ میگذرد این ۵۰۰ تومان ۵۵۰ تومان رسیده یعنی فقط ۵۰ تومان در عرض ده روز پس انداز داشته ام. تخمیده نام برای زن و بچه ها بجه - فرستم. - تعداد زیادی از با سداران و سیحی - های سر بندر را جهت شرکت در جنگ جبههستان برده اند. برای جبران این کمبود آغا جاری رئیس سیاه و از طرفی سق مسئولان نما بنده خود در شورای اسلامی کارکنان بندر پیشنهاد میکنند که کارگران و کارکنان با بستن جهت حفاظت از شهر سر بندر، لوله های نفت و سایر مراکز - هفتده ای دوروز به نسبت علاوه بر کار روزانه به نگهبانی بپردازند. این مسئله مورد اعتراض اغلب کارگران قرار گرفت و - اکثریت کارگران مطرح میکردند ما با سدار نیستیم که از شهر حفاظت کنیم ولی کار ضرب در محل کار نگهبانی بدهیم. \* \* \* آذماه: کارگران و کارکنان نیروگاه - های برق واقع در جاده مسجد سلیمان - شوش در پی اعتراض به سرکار آمدن در روز پنجشنبه ها، تهدید به اعتصاب - کردند. این تهدیدات تا دو هفتگی کارگران و کارکنان باعث شد که علاوه بر تعطیل شدن پنجشنبه ها، روزانه یک ساعت از ساعات کار آنها کسر شود. گزارشی از حرکت اعتراضی کارگران - تعمیرگاه شرکت کشتیرانی استان ایسین (وابسته به بنیاد مستضعفان) : ۶۰/۹/۲۲ حدود یکماه پیش کارگران تعمیرگاه - شرکت که تعدادشان ۲۳ نفری باشد، به نحوه پرداخت دستمزد برای اضافه کاری اعتراض کردند. آنها می گفتند که در صورتی اضافه کاری میکنند که تخلیه با رکنشی تناژی (یعنی به ازای هوشن باری که از کشتی تخلیه میشود) حساب شود. و بعد از یک روز مهلت به نما بنده بنیاد - بقیه در صفحه ۶

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد

امیرالیاسم امریکا که نمی توانست وجود دولتی انقلابی که راه سوسیالیسم را برگزیده بود تحمل کرده و شاه هدر شدنطقه ای پویا ازین جنبش رها نمی بخش در امریکا لانین باشد، مبارزه علیه تمام می میرات فلاکت بار سالیهای سیاه حکومت دیکتاتوری و تسلط بارمالیهای انحصاری براققتصاد کشوربا مبارزه ای همه جانبه درزمینه انقلاب فرهنگی واجتماعی درجامعه، مبارزه علیه فئودالیسم و مبارزه جهت برقرارسرکاری سوسیالیسم، بالاخره کوشش مجدانه برای ایجاد ارتش خلقی که بتواندخاطر استقلال دستاوردهای انقلاب بوده و بسدی درمقابل هرگونه توطئه ای باشد، بود.

به مناسبت بیست و سومین سالگردانقلاب کوبا، ما به شمه ای از این تلاش خلق کوبا و مبارزه سرنوشت سازین خلق مبارز و انقلابی اشاره کرده و گوشه ای از دستاوردهای آنرا موردبررسی قرار میدهیم: برینا مه دولت کوبا درجهت استقلال اقتصادی و شکوفائی اقتصاد سوسیالیستی

در دوران قتل از انقلاب کوبا دارای اقتصادی تک محصولی یعنی تولیدشکر بود. خریدار عمده این محصول هم کمپانیهای امریکائی بودند. در پی پیروزی انقلاب انحصارات امریکائی بمنظور وارد آوردن ضربه به انقلاب و ازبدر آوردن آن، از خرید سهمیه سالانه شکر خویش امتناع کردند. وزیدند، در این موقعیت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، با تقبیل خرید تمام می محصول شکر کوبا، بیستاری این کشور شتافتند.

سیاست اقتصادی دولت انقلابی کوبا کاهش تدریجی بخش خصوصی که تا آننگام باظور عمده اقتصاد کشور را بهر سلسله خویش داشت و همگام با آن افزایش قدرت دولت نمایاننده کارگران و زحمتکشان، در تمام زمینهای اقتصادی بود. دولت انقلابی کوبا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تمامی املاک امریکائیان را ملی اعلام کرد، این امر موردکاخانه های مونتازو وابسته به انحصارات امپریالیستی نیز انجام گرفت. در ابتدا تولیدات کشاورزی و صنعتی محصولات موردنیاز کشور افزایش قابل ملاحظه ای یافت و نتیجه این شد که واردات کاهش یافت و احتیاج به ارز خارجی کمتر شد. در مرحله بعد حرکت بسوی ایجاد صنایع مادر یکمگ کشورهای سوسیالیستی صورت گرفت.

در زمینه کشت کالاهای کشاورزی، بسا توجه با اینکه تا پیش از انقلاب زمینهای قابل کشت بدون استفاده مانده بود، تولید محصولات نظیر حبوبات، برنج، ذرت، تنباکو، سیب زمینی و همچنین پرورش دام برای تأمین گوشت (که تا آن هنگام زخار وارد میشد) به سرعت افزایش یافت. بطوریکه این افزایش ۲۳٪ تنباکو ۱۳۶٪ را شامل میشد. در مورد صنایع نیز با توجه به رشدنا موزون صنایع در بخشهای مختلف و تأثری تولید قبل از انقلاب که با زده تولیدات را با تأمین میاورد، تنها به کارگیری صحیح و مولی واحدهای تولیدی موجود باعث شد تا تولیدات صنعتی طی

بقیه از صفحه ۱

یکسال اول انقلاب ۱۵٪ افزایش یافت. کشتا ورزی و صنعتی طی دوسال اول انقلاب این دو همگامی را ایجاد کرد که با افزایش مداوم حجم کار، میتوان بازدهی کار را نیز متداوم افزایش داد. اما در پی گذشت دوسال رشد اقتصادی در تمام زمینه ها با عدم کفایت امکانات روبرو شد. بدین معنی که افزایش بازدهی یا توجه به منابع موجود، بیش از این میسر نبود. از سوی دیگر کوبا که تصمیم داشت تمام نیازهایی را داخلش را خود تولید کند، بطور طبیعی اقدام به وارد کردن انواع ماشین آلات ابزار صنعتی و قطعات یدکی و... جهت تأسیس کارخانه های جدید نمود. با توجه به بیسای سنگین کارخانه های وارداتی میزان تولیدات اولیه که بطور طبیعی با تأمین تر از میزان حداکثر بود، بیسای هر قلم لای تولید شده بیشتر از نیاز بود. بود که کوبا میبایستی با زاء وارد کردن آن کالا بپردازد، علاوه بر اینها بدلیل اینککه بخشی از زمینهای که سابقا زیر سر کشت نیشکر بود به کشت محصولات دیگر کشاورزی اختصاص یافته بود محصول شکر هم کاهش یافت. در نتیجه بیلان تجارت خارجی ۱۶٪ کاهش در واردات و ۱۹٪ افزایش در واردات را نشان میداد. رهبران کوبا در مواجهه با بحران اقتصادی سال ۱۹۶۲ با چارهای زگشت به اقتصاد تک محصولی را با استراتژی جدیدی پذیرفتند بدین معنی که طبق طرح جدید تمام سرمایه گذاری و نیروی خود را معطوف به تولید شکر و زغین حال گسترش نامبروری که در این دوزمینها مکانات فراوانی در کشور موجود شدت کردند تا مقدما "بسر کشتی موازیه پرداخته ای کشور فاشیست آئیندوانگه تهدیرجا" در زمینه ایچسباد شروع در تولید کشتا ورزی و تحکیم زیربنای صنعتی گام بردارند.

تنها مسئله کوبا در این مرحله، حصول اطمینان از وجود خریدار زانمی برای شکر بود که در این مورد هم شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به نشان حمایت سیاسی و نیز با توجه به بیای مناسب شکر کوبا، پیشقدم شدند.

پیشبردا هادی که ذکر شد، همچنین در مدبرینا مه های کوبا قرار داشت و در راه رسیدن به تحکیم یک اقتصاد سوسیالیستی و شکوفائی مسائل و نظرات تازه ای برای دولت وتوده ها عنوان شد که نگاه های محروم کوبا که تا پیش از انقلاب برای بدست آوردن حداقل ما بحتاج خود مجبور به کار با وقت فرمای بودند پس از انقلاب ناگهان با وضعیتی روبرو شدند که در آن بخش عمده ای از احتیاجات ابتدائی خود یعنی آموزش و بهداشت دست مجانی و حداقل خوراک و پوشاک با توجه به وجود فروشاگهای تعاونی خلقی و... را بدون نیاز به کار سنگین و طاقت فرسا در اختیار داشتند. در چنین شرایطی دولت انقلابی وظیفه داشت تا عشق به انقلاب و زندگی نوین را به میان توده ها ببرد تا

آنان با انگیزه ای والاتر به سازندگی بپردازند. در این زمان بود که دو جریان فکری در مقابل هم قرار گرفتند، نخستین جریان که در رای آن رفیق چهگوارا قرار داشت معتقد به سازندگی اقتصادی و بیا لایردن با زدهی کار بر پایه ارتقاء شعور و آگاهی اجتماعی زحمتکشان بود. دومین جریان که یکی از رهبران حزب کمونیست پیش از انقلاب حامی آن بود معتقد به افزایش بازدهی کار از طریق ایجاد انگیزه های سیستمی برای بیای یعنی اعمال پاداش های نقدی اضافه حقوق و... بود.

مبارزه میان این دو جریان فکری حتی تا مدتها پس از خروج چهگوارا از کوبا به قصد بولیوی، ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۹۶۶ روشی که در کوبا به کار گرفته شد عمدتا پیروی از نظر چهگوارا یعنی عدم توسل به پاداشهای اضافی و بولی به مثابه ابزار اقتصادی بود. مشکلات موجود - اقتصاد بیای یعنی عدم توسل به خصوصیات اقتصادی در بخشهای کشتا ورزی و صنعتی و خدمات عمومی استقلال اقتصادی جداگانه در بخشهای شرکتی و غیر شرکتی - بود و در پی اینها که در کوبا به کار گرفته شد. سازماندهی مؤثر در بخشهای تولید جدید نیز علیرغم تمرکز تصمیم گیری بر پایه اشکال فئودالیسم و مکرر تجدید نظرهای ناآسی از بیای یعنی تمرکز بر نیازهای صحیح و هماهنگ کردن امکانات کشتا و برداشت و تنظیم و برپا سازی این امر بهنگام برپا نمودن و عدم اطمینان از کارایی هر طرح صحیح، زیرا در این روش در سطح وسیع بودایی یک نکته که باید روشن شد و آن اینست که روشی که از نظر ما به داری و روشهای بالابردن بازدهی تولید که در این نظام کارگر گرفته میشوند سرانجام سرآمد روشی برای ساختن جامعه ای نوین با بیای یعنی برپا سازی عقاید با مشکلات یافت.

### برپا سازی مبارزه با بسواد و انقلاب فرهنگی

مقدمت بیای که پیروی مردم کوبا علیه بسواد یعنی بیسوادان و ناخواندگان ۵/۵ میلیون نفر و همچنین بیسوادان ۱۰ میلیون نفر در این کشور و بیسوادان و بیسوادان نبودند، و این در حالی بود که در سایر کشورهای جهان از ۲۶٪ هزار بیسوادان وجود داشت و بیسوادان اکثریت دوزیستهای دوره قبلند. کوهستانی سکونت در بیسوادان وقت بیسواد عمومی برای سوادآموزی آغاز گشت. کودکی ۵ ساله تا بزرگترین ۶۰ ساله و طلب داندن آموزش به هموطنان بیسواد خود شدند. زیاده ترین متخصصین سوادآموزی تربیت گردا میدند تا کتابی را برای تدریس در سایر مراکز آموزش تهیه کنند. در این کتابها ۱/۵ میلیون نسخه چاپ رسید. بعدها هزار دانش آموز و دانشجو داوطلب به یک اردوی ده روزه رفتند تا هم نحوه استفاده از کتاب دزی مزیوز را بیاموزند و هم خود را برای زندگی در شرایط سخت روستاهای فقیر کشور آماده سازند. در نخستین روزهای بهار ۱۹۶۱، هر دانش آموز و دانشجو با شاعر "ما پیروز- میثوم" بربوب یک چراغ توری در دست و بطوشی بربوب، به سوی خانه های در دل کوههای صفت العیور مرفت تا به مدت یکسال در میان یک خانواده پروتاستی زندگی کنند. روشی بایست روزها را با

بقیه از صفحه ۲

## رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

# تبلیغ و چگونگی پیشبرد آن در مراکز تجمع نوده ها

بقیه از صفحه ۱

مطالبهای مشخصی چون مسأله سیگار که در انحصار دولت است اما شما با "اثر طریق" دلالان و محترکین توزیع میشود...  
 ۲- با بدتوده ها رابطه لزوم شرکت وسیع در مبارزه واقف نمود: هر چند توده ها امید خود را از با لاییده اند، و هر چند همواره برای تغییر رژیم "دعا" میکنند اما هنوز نقش خود و نیرویشان را در این تغییر نمی بینند. با بدتوده ها را به لزوم مبارزه پیگیری و متحدان قف ساخت، با یسد به آنان گفت "بدون توده ها شما می یسب - ها بی اثرند" این عمل را میتوان از سوی با یا آوری تجارت قیام و سرنگونی شاه و تکرار مکرر قدرت توده ها در آن زمان و از سوی دیگر با طرح مسأله ای چون "سه سال است اردت هفده مینا لیم ولی چون حرکتی نکردیم هر روز صفها طویل تر شده...". انجام داد. در این مورد با بدگام بگام نیز توده ها را همراهی نمود و مبارزات آنان را ارتقاء داد. طرح و پیشبرد اشکالی از مبارزه در راه باطه مشخص با هر صف و هر جلسه توده ها را قادر میسازد تا در تجارت عملی مشخص به نقیضت لایزال خود پی برند. از این مورد با بدگام نیز مبارزات خود توده ها آمیخت و آنان را ارتقاء داد. در گزارش - اشی که در ماه آذرودی بدست ما رسیده توده ها بشکل روز افزونی در راه باطه بنا توزیع مواد اولیه و اجناس مورد احتیاج - شان اشکال مبارزاتی چون، مقابله با با سدا ران، مما دره رزاق، و حتی تخمین در مقابل مرکز توزیع را بکار بسته اند.  
 ۳- با بد مبارزات توده ها را از زمان داد، محور دیگر تبلیغ ما را مسئله - سازماندهی مبارزات تشکیل میدهد. جهت پیشبرد این امر از سوی با بد لزوم تشکیل وحدت، پیشبرد مبارزات از زمان - با فته و... و وسیعاً تبلیغ کرد. "یکدست صدا ندارد"، "جوبها تا به هم بقیه در صفحه ۶

رژیم کشا نید، توجه به مرتب تبلیغ در راه باطه که بعلمت نبود تبلیغات انقلابی در شرایط کنونی عمدتاً "به هر زمیزر و و ویا در حسد اعلائی خود به بر خا شگری و یا اعمال جرقه - ما ننند و بدون تداوم می نجا مدرا به نبردی شکل گرفته در جهت سرنگونی رژیم بسدل سازد. برای پیش برد مرتب تبلیغ در صفها نکات زیر را با بد به دقت مدنظر داشت:  
 الف: محور تبلیغ: هر چند در هر - شرایط مشخص محور تبلیغی را با ارگان سازمان - بشریه کار - روشن میسازد اما باید در راه باطه با صفها و ویژگیهای زیر را در شرایط کنونی رعایت کنند.  
 ۱- با بد به بحث های موجود را بیش از پیش سیاسی نموده بر روی رژیم متمرکز نمود. اینک کمتر صفی است که به سراه اتداختن بحث نیازی به هدایت و یا صرف انرژی داشته باشد. اما سمت دهی بحث از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با بد نقش دولت را در بدبختی های توده ها بشکل مشخص عریان نمود. در شرایط کنونی حتی فشاگری های بی هدف و بی برنا مه چندان سودی ندارد و نقش یک خبردهی کم اهمیت را ایفا میکند. با بد ارتباط مشخص رژیم را با گراتی و کمبود و غیره و در عین حال ارتباط مشخص سرکوبها و کشتارها و اعدا مه ای رژیم با دیگر سیاستهای ضد خلقی اش از جمله برنامهای اقتصادی را عریان نمود و در این رابطه لزوم - سرنگونی دولت را نتیجه گرفت، با بد کینه و نفرت مردم نسبت به رژیم را تعمیق بخشیده بر آگاهی و نشاط حساس استوار نمود. این عمل را میتوان با بیکارگیری - مثالهای متعدد و مشخص انجام داد. نقش با سدا ران و کمیته ها در تقسیم آغا دلانسه اجناس، نقش حاجی های بازار که از سوی مورد حمایت رژیمند و از سوی دیگر بزرگ - ترین عاملین احتکار و کمبود، بکارگیری

مدتهاست صف بعنوان عاملی ثابت است و جدا نشدنی در زندگی توده های زحمتکش ما وارد شده است. هر زن و مرد، کارگر، خانه دار، دانش آموز، کارمند، کارسکار و هر زحمتکشی ساعتها بیساری از وقت خود را در طول هفته در صف میگذراند، در - شرایط کنونی بخصوص از صفهای تهیه - اوراق و ما به تاج اولیه میتوان تهیه - یکی از عمده ترین مراجع توده ای و اصلی ترین کانوهای بحث و اعتراض نسام بود. تنها مدت کوتاهی، آنگاه که بر اثر سر بوش و وحشانه رژیم ترس و وحشت بر تمام توده ها حاکم گشته بود، موج اعتراض و افشاگری در صفها نیز فروکش نمود اما به سرعت برای با بد دیگر آغا ز شد. این - اعتراضات که در ابتدا با اشکال اقتصادی داشت و بر محور گراتی و کمبود دور میسوزد اینک از سوی "ریگ و رنگ و بوی سیاسی" به خود گرفته و در بسیاری موارد به طرح مشخص ارتباط دولت با محترکان، سرما با بد ران و تجارت و کالا" فضای دولت بعنوان عامل اصلی گراتی، فقر و بدبختی ما نجامد و از سوی دیگر در موارد متعددی به اشکال مقاومت و مبارزه توده ای از جمله تحصن تعرض به پاسدا ران و بسیجی ها، مما دره - اجناس و... انجام میدهند است. (بررسی این اشکال مبارزاتی و همچنین بحث های توده ها در این رابطه را به دیگر مقالات از جمله "مردم چه میگویند"، "بررسی اشکال مبارزاتی توده ها" و "ارزانی ذهنیات مردم" را میگذاردیم)  
 در این رابطه با بد گفت - هما شگونه که بارها گفته ایم - صفها اینک یکی از - مراکز توده ای است که با بد در مرتب تبلیغ به آن توجه ویژه ای نمود. صفها اینک محلی است که میتوان مبارزات توده ها را در آن شکل داد، سمت و سوسا زمان داد و میتوان آگاهی بپراکنده خلق را انسجام بخشید و آنرا بسوی مبارزات سازمان یافته با

**کارگران زحمتکش!**  
 برای رفیع حد اقل نیازهای زندگی شرکتنهای  
 نتگوانی با بد زیر نظر و تحت کنترل خود  
 کارگران توسط شورای وافتگی و منتخب  
 کارگران باشد. ۶۹۱۶  
 طهران پیشرو، پیمانان

**تا کمیرانان زحمتکش!**  
 در حالیکه بیکاری و گوانی دامنگیر اکثریت  
 مردم است رژیم رژیم خلقی می خواهد با بد  
 نتوانشی به بیکاری دامن زده و به پیمانان  
 کارت مشغوری و... مانع کار شما شود و رژیم  
 می خواهد در تا کمیرانان از احتناق برپا کند  
 و وانندگان را به همکاری و اداری اعتزادین  
 همه جانبه و بیکار چه خود قوطه شوهر رژیم  
 را خنثی و از حقوق خویش به دفاع برخیزید.  
 مستقم باد پیروزان و زحمتکشانیان چریکهای فدائی خلق ایران  
 مرکز حزب جمهوری استادی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل  
 مجلس مؤسسان  
 طهران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
 ۶۹۱۸

**رانندگان مبارز!**  
 داشتن کار و آزادی حق مسلم و اولیه شماست.  
 با شوگونان قانون فرمایشی با مخالفت برخیزید  
 با اتحاد و یکپارچگی شورایی واقعی خود را چون  
 آورده و علیه سیاستنهای ضد خلقی رژیم خویش  
 حاکم برپا خیزید.  
 طهران سازمان چریکهای فدائی  
 خلق ایران کلان پیمانان  
 ۶۹۱۸

**رانندگان مبارز!**  
 داشتن کار و آزادی حق مسلم و اولیه شماست.  
 با شوگونان قانون فرمایشی با مخالفت برخیزید  
 با اتحاد و یکپارچگی شورایی واقعی خود را چون  
 آورده و علیه سیاستنهای ضد خلقی رژیم خویش  
 حاکم برپا خیزید.  
 طهران سازمان چریکهای فدائی  
 خلق ایران کلان پیمانان  
 ۶۹۱۸

### تبلیغ و چگونگی...

بقیه از صفحه ۵

بسته بودند شکستند" ، مثالهایی از شوراها و انقلابی کارخانجات و پیشبرد امورتوسط آنان ، حرکات متحدبهرنجاران شمال ، مثالهایی ازحرکاتیکه درهمان محله صورت گرفته ، قیام ، مبارزات خلق کردو... همه وهمه مثالهایی است که میتوان بزاحتی بکارگرفت و لزوم شکل و سازمانی مبارزه را خوسردکرد ، اما ازسوی دیگر باید تجربه عملی مسالسه سازماندهی مبارزه را پیشرو این میسر نیست مگر با رهنمودهای مشخص جهت پیشبردم مبارزه مشخص ، این مساله را بیشترتوضیح میدهم :

همواره باید در پیشبرد این وجه از امر تبلیغ درصفت دووجه سازماندهی راه هدف خود قرار دهیم . اول سازماندهی مبارزات آتی و مشخص مردم ، دوم سازماندهی آتی که باید نطفه های آنرا در همین مبارزات مشخص بست . در رابطه با سازماندهی مبارزات مشخص مردم باید همیشه با تحلیل و از محله و موقعیت مشخص آن اشکالی از مبارزه را که قادر به سازمان دادن و پیشبرد آن تا به آخر هستیم و توان توده ها نیز چنین محالی را میدهند انتخاب نموده جهت آن بکوشیم . مثالهایی متعددی را میتوان در این مورد زد . در شرایطی میتوان در مقابل یا ساری که به سهانه حفظ تنظیم جاسوسی میکند ، یا رتی بازی میکند ، رشوه میخورد... به مقابله برخاست و با حرکت مردم نما بندهای از خودشان را در وظیفه حفظ نظم و نظارت بر توزیع گمارد . در نمونه ای از مبارزات خود مردم زبانی خانه دار ، یا امتناع از گرفتن گوشت ، و جلوگیری از فروش آن ، مسجد و پاسدار مربوطه را عقب نشاندند . میتوان توده ها را در جهت مبارزه انبارهای احتکاری و مراکز دولتی توزیع که با توزیع نا عادلانه موجب تنفر مردمند بسیج نمود... اما این اشکال مبارزه باید در خدمت آشنا کردن هر چه بیشتر توده ها به خودشان و روشن ساختن لزوم شرکت در مبارزه فعال

و لزوم شکل باشد ، در اینجا ست کسه زمینه های مساعجهت شکل گیری - سازماندهی محلی توده ها مهیا میشود . در رابطه با سازماندهی آتی توده ها نیز باید اشکال گوناگون شکل توده های را در رابطه با مساله مشخص موجود (مثلا) برای صف نفت یا پدسا زماندهی جهت توزیع توده ای نفت بدست خود مردم شکل داد ، برای مبارزه رومرغ و گوشت و... میتوان سازماندهی نظارت بر توزیع و در عین حال شکل دهی تعانیهای توده های را در دستور قرار داد (در شرایط کنونی مسئله انتخاب نماینده بیگانه نمایندگان جهت پیشبرد اعتراضات مردم برد وسیعی دارد و به سادگی می افتد . (زمینه) کا ملا مسا عد این امر در گزارشات ما دیده میشود) از این میتوان این اشکال شکل از عمل را بعنوان نطفه سازماندهی توده ای به کار گرفته به پیش برد . نماینده - کان یا بدر تماس مداوم با مردم گزارش بپسردگان را به آنها بدهند و مردم باید از نمایندگان خود پشتیبانی نمایند . مهمترین مکان برای تجمع توده ها در این رابطه نیز همان صفها هستند . پیشرو این امر و با تشکلات ترا و رگانیک تری نیز بین مردم محله ایجاد می کند .

ب : تبلیغات خود را چگونه به پیش بریم ؟ در رابطه با پیشبرد تبلیغ در صفها هر چند اصول کلی آن کا ملا روشن است و ما این اصول را چه در مقالات کلی چون تبلیغ و نقش آن و چه در مقالات رهنمودی خود چون در مرحله چه باید کرد ، توضیح داده ایم اما چند نکته نیز باید در نظر گرفته شود . برای تبلیغ شفاهی در صفها با وجودیکه به راحتی میتوان یک نفره عمل کرد اما یک ترکیب دوفره (که از نظر مردم در صف هیچ ارتباطی با هم ندارند) کیفیت بسیار بالاتری بدست خواهد داد . بحث بشکل شکل یا فته ترا و رگانیک تری صورت خواهد گرفت در عین حال که بحرکت در آوردن مردم و حتی مقابل با لانژها سده ترا خواهد بود . شعار نویسی را میتوان در رابطه با صفها بکار بست . چون محل تجمع مردم روشن است میتوان ساعتی قبل از جمع شدن آنها در صف و در ساعاتی از آنرا که

ابدهای مشخص ما را در رابطه با پیشبرد مبارزه بیان میکنند در آن محلها نوشت . شعار نویسی در رابطه با صف از تنوع امکانها بیشتر برخوردار است زیرا در حالیکه شعارهای ما در حالت معمولی با بدبصورت کا ملا درشت و در ارتفاع مشخص از دیوارها شدت اعبرین و صفا ما شینها آنها را بینند در رابطه با صف میتوان از مکانهای بسیار متفاوتی که از چشم فالانژها و پاسداران نیز بدور باشد (حتی کف زمین) این عمل را انجام داد . مسلما افرادی که ما آنها در صف می ایستند می نشینند ، کتا رجوی چمبا ته میزنند ، به دیوار تکیه میدهند و... آنها را خواهند دید .

برای پیشبرد تبلیغ کتبی در صفها علاوه بر شیوه های همیشه میتوان اشکال خاصی را نیز بکار بست میتوان براحتی با موتور یا لای سرفرا ددا خل صفا علامیه بخش کرد و از محل دور شد . در عین حال میتوان اینکار را نیز توزیع را در این مورد مشخص بکار بست مثلا با خرید ۳۰ روزنامه و نهادن تراکت ، علامیه و یا حتی نشریه در میان آنها بفرخت و با مراقبت یک رفیق آنها را در صف فروخت و از محیط دور شد (اگر رفیق مراقب موتور سوار باشد ، دور شدن از محیط بسیار سریع تر است) ... باید دقت کرد که مرتب تبلیغ در صف و تبلیغ در محله را یکدیگر جدا نیست و دارای ارتباطی ارگانیک یا یکدیگر است . تبلیغ در محله باید انعکاس خود را در صفها نشانی که در آن محله ایجاد میشود نشان دهد (خبر ارتقل شده را جمع به تراکت بخش شده صحبت شود ، شیوه های ارائه شده بکار بسته شود) ... و تبلیغ در صف باید تداوم بخشد را در محله بیاورد (سازماندهی حرکات ، اشکال اشکال مشخص شکل و... توسط تراکتهای توضیحی که در محله توزیع میگردد به میان مردم برده شود) در مورد تبلیغ کتبی باید در نظر داشت که رقفا متداولند و یا بدتراکت های ویژه ای جهت بخش در صفها تهیه و تکثیر کنند تا بیشترین برد تبلیغی را در میان مردم داشته باشد . ما نمونه ای از این تراکتهای را در زیر می آوریم

### ☆ جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۳

مستضعفان روز بعد از افکار ی نکردند ، و بعد از ساعت کار قانونی ، تعمیرگاه این شرکت را بستند و خانه هایشان رفتند . فردا که به کارها زکشتند نما بنده بنیاد آنها را جمع کرد و گفت : اضا فکار اجباری است و ما کارگری میخواهیم که در مواقع بودن کشتی و هر موقع دلیمان خواست اضا فکاری با بستد و کار کنند و غیر این صورت اخراج میشود و هر کس دلش میخواهد شکایت کند ما آری به هیچکس بول نمی دهیم و قانونی نیست . کارگران این قسمت چون اوضاع جا معه مثل بیگاری گران ، ظلم و ستم را می بینند و از آنجائی که تمام کارگران در این اعتراض و اعتصاب شرکت نداشتند تا جا را " مجبور به اضا فکاری با همان شرایط سابق شدند ، کارگران قسمتهای دیگر ، آنها شی که حقوقشان در سطح پائینی بود بطور ضمنی از آنها پشتیبانی میکردند ، این واقعیه که کارگران آموخت که بدون تشکیلات و وحدت و یکپارچگی کارگران ، آنها به هیچکدام از خواسته هایشان نخواهند رسید . و همچنین ما هیت ضد کارگری رژیم را بخوبی به کارگران نشان داد .



کمبود ما محتاج ، گرانی ، صف ، سرکوب و زورگویی از بین نمی رود مگر آنکه :

### به مبارزه برخیزیم ، متشکل شویم ، و جلوی مزدوران رژیم بایستیم

**مردم زحمتکش!** هر روز ما عشا از... در صفها ، در بارها و کما تلف میشود و در عین حال گوشت نیست ، تخم مرغ نیست ، برنج نیست ، روغن نیست ، نمک نیست ، نمک کماست و همه چیز گران و گساست . عامل اصلی این فلاکت گرانی ، صف ، بیگاری و فقر رژیم جمهوری اسلامی است که از ما به داران ، معمران ، تاجر و دلالان حمایت میکند و در عین حال زحمتکشان و کارگران را سرکوب و اعدام میکند . گران ، کما بی و صف بافتن و آسا با تکسوه کلاه با نان نمی خورد ، می بینیم مدتهاست همه ما در محل کارمان ، در محله مان ، در محل تحصیل مان و در صفها به رژیم به با ساری ، بیسجی ها ، به عینیت و به تمام " لاشیها " فحش میدهم اما هر روز با طوفانی ترا و حاشی گرانتر و کما تر میشود ، جوانان بیشتر از اعدام میگردد و رژیم وحشی تر و مملع تر میشود .

### راه حل ، اتحاد و تشکل بااست ، باید رژیم را سرنگون کرد ،

#### باید همگی به مبارزه برخیزیم

اگر همه اعتراضات کنیم ، اگر هر کس اعتراضات کند ، اگر همه بنی کسم و اجازه ندهیم مزدوران رژیم حزب الهی ما بسادگان را هر کاری خواستند بکنند ، اگر طرزورگویی آنها باستیم ، مزدوران مملع رژیم هم غلطی نمیتانند بکنند ، ما میتوانیم و باید کارها را خود دست گیریم .

#### مردم مبارز!

اجازه ندهیم! زیرا اگر کسی و عدم تشکل ما استفاده کنند و ما را سرکوب نمایند ، با شورت با یکدیگر انتخاب شده و بنیگان ازمان خودکارها را بشکل جمعی بیسجیم ، اعتراضات خود را تشکل دهیم و در مقابل رژیم مبارزه کنیم . همه جا از نمایندگان و انجمن خود حمایت کنیم و از آنها بخوابیم تمام لاشیگان را با ما توضیح دهنده ها بگویند که روزهای قسا نشان دادا اگر مردم را ده کنند و بسا خیزند ، اگر مردم متشکل و سازماندهی شده باشند رژیم جمهوری اسلامی هیچ کاری نمیتواند کند .

بپور و با دما روزات متحد بکار رگان و زحمتکشان سرنگون ما رژیم جمهوری اسلامی زنده باد شورا های مملع

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

### رژیم جمهوری اسلامی، حامی زمینداران دشمن دهقانان

دیوارهای شهر فریا دمیکشند "ج" را اجزا کنید: "با اجرای بندج و د" قبیود فئودالی را از پای دهقانان باز کنید، "با اجرای بندج و د" ورود فئودال به ده ممنوع، "اجرای بندج و د" ضرورت و حفظ انقلاب است و برای اجرای بندج و د" دیگر هیچ عذوبها نه ای پذیرفته نیست، تبلیغات بی امان در این باره آنچنان گسترده و "گوینده" است که گوئی انقلابی در شرف تکوین بوده است. انقلابی در جهت حل ریشه ای "مساله راضی و مشکلات متعدد دهقانی" گوئی قانون اصلاحات راضی شورای انقلاب سیری بوده است که توسط عناصری ناشناخته و مرموز که در دوران حکومت لانه کرده اند، به بند کشیده شده و منظر مانده است. و اکنون دیگر دیوارها صیرنان بسرا مده و فریا دمیکشند بس است! ای گریه عذوبها نه ای پذیرفته نیست! با اجرای بندج و د" "مساله راضی را بطرز انقلابی که شو رای انقلاب مقرر کرده حل کنید. دهقانان را از مشکلات تکلیت با رتا ریخی برهانید! تبلیغاتی این چنین "انقلابی" در باره "اجرای مومبه" انقلابی" شو رای انقلاب، "ابلیها نی زقوم" را هم بوحشت افکنده و در حیرت که در راهی انقلاب و قوانین انقلابی؟! "حنما" اشتباهی رخ داده و با بد از آن جلوگیری کرد. سران مملکت اندیش حکومت نیز بنا بر جهت گیری کلی سیاستمان، موقع را مغتنم شمرده و از "فراط کاریهای" مجریانی که نفس قانون را درک نکرده و خود سرانه خواستند "انقلابی" انجام وظیفه نمایند به شکایت برخاسته و اطمینان های لازم در جهت احترام به مالکیت که گویا اجرای خود سرانه بندج بود به آن خشنو وارد - منضموده را داده اند. در این میان عمال مستقیم بزرگ مالکان و روحانیان - وابسته به آنها نیز که هر نوع رفیعی در مساله راضی را خشنو در کردن اسلام میدانند "کمونیستی" معرفی کردن بندج و د" با فو منت در برابر قانون "انقلابی" اصلاحات راضی را دامن زده اند. در اینجا آنچه که بین خواستاران پیرو با قرض اجرای بندج و د" مخالفتیست سربخت آن مشترک است، همانا "انقلابی دانستن" قانون اصلاحات راضی" است. مبلغین اجرای بندج و د" که نیروی عظیمی را در جهت بزدن این قانون "انقلابی" بر میان مردم و فشار بر هیات ها که منضمه "انقلابی" مردمی" صرف کرده اند، اجرای دوبند فوق را کلید حل مساله راضی و دهقانی بندها شده (ویا وانمود کرده) و برای اجرای آن سینه چاک میدهند. - مخالفین نیز با انقلابی دانستن دوبند فوق، ویان اینک دیگر "دوران انقلاب" و هرج و مرجها "بسرا مده" سال - سال قانون و اجرای مفاد قانونی است و نه انقلابی، اجرای قانون مزبور در هرج و مرج طلایی، "فراط کاری و لگنه زدن" دامن مقدس مالکیت خصوصی اعلام کرده و به مجریان آن مظلومی کنند که اگر اجدود با فرا تریگذا رند، آنها را مجرم شناخته و "تعقیب قانونی و تعدی شرعی" میکنند. مخلص کلام هر دو جریان این است که بندج

و د انقلابی است و اجرای آن و تغییر در و تحولاتی بنیادین در روستاها را در پی دارد. آیا راست است، این چنین است؟ آیا قانون اصلاحات راضی شورای انقلاب، بیروا ت مبلغین آن (نوده ای ها) - اکثریتی های راست و ... سیری است که توسط عناصر متکوک و غیر قابل روء نت درون عیان - جا که به بند کشیده شده است: ما مکررا "در کار" بوده ایم. - رفیعیستی قانون اصلاحات راضی - کشیده ایم، و دلالتی که هیات ها که "انقلابی" را و ادا ریه تصویب آن نمشود (البته فقط تصویب و نه اجرا)، خاطر نشان کرده ایم. اما از آنجا که این مسئله - هنوز بصورت مختلف در سطح جامعه مطرح است، و بوسیله رفیعیستهای بعنوان قانونی انقلابی و توسط ارتجاع راست بعنوان قانونی کمونیستی، در اطراف آن هیاهو بر راه افتاده است، ضروری - مینماید که یکبار دیگر - هر چند بسه اختصار - ما هیات و مشخحات اصلاحات راضی شورای انقلاب بررسی شود. علاوه اینکه ما در بیات فرم مبارزاتی مشترکمان با راه کار گرو جتاج چپ اکثریت، خط سوط کلی یک طرح اصلاحات راضی دموکراتیک را ارائه داده ایم، که این بررسی - میتواند زمینه ای در جهت روشن تر - نمودن هر چه بیشتر طرز تلقی ما نسبت به مساله راضی و دهقانی باشد. \* \* \* قانون اصلاحات راضی، زمینهای قابل واگذاری را به ۴ بندتقسیم کرده است. در مورد دو بند اول آن یعنی بند الف (راضی موات) و بند ب (راضی که "دادگاه مصالح اسلامی" به استرداد آنها حکم داده "و تحت اختیار" حکومت اسلامی" است) ظاهرا "اعتراضی وجود ندارد، - آیات عظام و مالکان هم هیچ یک برای این دو بند خردهای نمی گیرند. این همان - بنده ای است که خمینی نیز ادا صا اجرای آنرا بلا مانع تشخیص داده است. اما دو بند دیگر قانون مزبور، یعنی بندج (راضی با برمالکان) و بند د (راضی دارمالکان با اعتراضات شدیدی مواجه شده و همد "بیل و قال ها در مورد قانون فوق منبعت از وجود این دو بند است. این همان دو بندی است که خمینی دستور توقف آنرا صادر کرد. حال بینیم نحوه واگذاری این ۴ قسم راضی به چه ترتیب پیش بینی شده بود و بنا به ترتیب بر اجرای آن چه میسود. آنچه که حتی در نخستین نگاه به قانون اصلاحات راضی چشم منخو، د، وجود آیات عظام و دو بیولوگوتی ها است که بنا بر سیر اعلامی بلکه بخاطر مملحت اندیشی ها در بند، سند قانون کنجا نه شده است. با این عمل، شورای انقلاب - در آن مقطع - ضمن اینکه نظریات تجریاتی مختلف درون هیات ها که مراد در قانون ملحوظ میداشت (که جریا دو بیولوگوتی میسر نبود) دست هیات ها که مراد در نحوه تفسیر و اجرای قانون - به تناسب مبارزات دهقانی، با زمینگذاشتن سر یا زدن هیات ها که در اجرای قانون فوق و تفسیرهای متعددی که از آن بعمل آمد یا استفاده زمین اینها موات نهفته در قانون بود. قانون فوق چنان محتاطانه

و دست به عا تنظیم شده که حتی بندها الف و ب را هم با شرط و شروط های خود محدود و قابل تفسیر گردانیده است. در چگونگی واگذاری اراضی بندها الف و ب چنین مقرر شده است که "حکومت موظف است با رعایت مصالح جامعه و حدود دنیا زوتوانا کتبی اشخاص بهره برداری اینها را به افراد شرکت ها، واگذا ر کند". "مصالح جامعه" چیست و چگونه معین میشود؟ این شرطی است که بصورت قابل تفسیر که هیات ها که مراد در شرایط مختلف میتوانند آنرا بنا بر مصالح حکومت تفسیر کنند. مثلا "حکومت میتواند دنیا بر" مصالح جامعه" حتی از واگذاری اراضی موات صرف نظر کند. و این دو نوع اراضی را اجاب کند، به مساله حدود دنیا زوتوانا کتبی اشخاص می رسیم. با چه ملاکی این دو موضوع را باید سنجید و چه ارکانی وظیفه سنجش آنرا دارد؟ باز هم با ما. مثلا کدام دهقان تهیدستی است که دنیا زندها شده یا خود در عین حال - کدام دهقان تهیدستی است که توانا کتبی کشت و بهره برداری از اراضی موات که حتی در صورت امکان با وروری به سرما به - ای مکنی بنا زدارد، و ادا را با بندج و د" و حال اگر از این موانع و ابهامات نیز بگذریم، حاصل واگذاری اراضی موات به دهقانان بی زمین یا کم زمین جزء ورشکستگی کامل کشتادن اکثریت آنها طی یکی دو سال، چه نتیجه ای دارد؟ در حقیقت علت اینکه در مورد این دو بند و بویژه بند الف از طرف مالکان و آیات عظام اعتراض نمی شود، همین است، بنده مالکان بزرگ چیزی از دست میدهند، و نه دهقانان چیزی جز ورشکستگی نصیبان میسود. دو بند "ج و د" که ظاهرا "دلالیت بر تقسیم راضی با برود بزرگ مالکان دارد، با ما و اگرها و تبصره های متعدد، محدود دست و پا نکستند و از اراضی مواتی شده است. بر اساس ضوابط واگذاری زمین، بندج در اولویت سوم (پس از اراضی بندها الف و ب) قرار دارد. البته بهمین ابتدا زمینها کتفا نشده و در جهت امتیازی به مالکان اراضی با سیر "تخت به ما جان آنها اولویت میدهد تا به عمران آن بپردازند" به این صورت مالکان این نوع اراضی فرصت می یابند که بهترین اراضی با سیرا که از نقطه نظر اقتصادی، کشتان میتواند مقرون به صرفه باشد، برای خود برداشته و این اراضی را از حوزه مشمول بندج "ج" خارج کنند. بنا بر این آنچه که از واگذاری اراضی بندج به دهقانان می رسد، آن نوع راضی است که طرف ۵ سال بر روی آن کشتی صورت پذیرفته و با توجه به بسیاری که برای مالکان در نظر گرفته شده، از بدترین نوع این اراضی است. اما چرا مالکان این نوع اراضی، طی مدت ۵ سال زمینهای خود را بزرگت برده و حالا هم حاضر نشینند به کشت آن بپردازند؟ حساب روشن است، از نظر اقتصادی به صرفه نبوده است، بهر دلیل بی آبی، کم آبی، بهره دهی کم، تا هموار بودن زمین، دور بودن بقعه در صفحه ۸

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

# رژیم جمهوری اسلامی حاملی...

ارضا کرمان را روغیرو... به این ترتیب تصور برنویس آن دهقان بی زمین و با کم زمین که صاحب اینگونه اراضی بستان میشود زیاد دور از ذهن نیست. با کمی تحقیق میتوان همان نتایج بنیادالف را برای او متصور شد.

حال بنیسم و اعدادی اراضی بنیسم در، یعنی اراضی دایرالمالکان که منحصه اصلی کشمکش بین دهقانان و مالکین است. بحث حوضهای دهقانی پیش بنیسم شده بود در این باره فاعده برده و اعدادی از این نوع اراضی تا سه برابر عرف محلی است. بعضی این مقدار خود را می گویند.

اینها مالک و مستکلفان است. امشومل و گذاری نمی بود. بیس از این مقدار در صورتی - و اعدادی منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند.

در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند. در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند.

در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند. در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند.

در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند. در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند.

در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند. در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند.

در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند. در این باره منسود که گنجانده و در آنجا در آنجا قرار می گیرند و در آنجا در آنجا قرار می گیرند.

قانونی که در مورد واگذاری زمین بنا به مبهم گوئی و دوپهلو گوئی مسا له را فیصله میدهد، در اینجا با کمال دقت قیمت زمین تا سیسات کثا ورزی و غیر کثا ورزی مستقر در آن، به تفکیک و همراه با چند تبصره کنکی تشریح و تعیین شده، که از زمین - المال با بدیهه مالک برداخت شود. آیا بهر از این امکان داشت که یک حکومت انقلابی و مردمی "حقوق مالکان را در مقابل مسا دره بلاعوض زمینها یشان توسط دهقانان، حفظ و حراست کند؟

حکومت از تصویب قانون اصلاحات ارضی قصد سرکوب جنبش های دهقانی را داشت. اگر چه این امر در جنبه های واگذاری زمین که تاکنون به آن اشاره کردیم، مستور و پوشیده است، لیکن در قسمتی که وظایف هیات های ۷ نفره و تعدادات دهقانان تشریح شده، شکلی آشکار می یابد. وظایف هیات های ۷ نفره - تعدادات و تعدادات که دهقانان در قبایل دریاقت زمین باید متقبل شوند، آنچنان تنظیم شده که نتوانند حاکمیت پلیسی -

بوروکراتیک رژیم را بر روستاها اعمال کرده و دهقانان را به انقیاد بکشاند. - هیات های ۷ نفره وظیفه دارند که نوع کشت، حکومتی کشت، نحوه واگذاری زمین حل و فصل قضایای مورد نزاع، تشخیص ملاحظاتی و غیر آن استفاده از اموال... و -

تخلیه کند؛ کشت و زرع دهقانان را کنترل کرده و در مورد آن تصمیم گیری کند. این هیاتها رسالت دارند که به مسا کشتی جدا زنده های دهقانی و با موق آنها مشغول روستا را در اختیار گرفته و حاکمیت اقتصادی - سیاسی و ایدئولوژیکی رژیم بوروکراتیک تثبیت کند. اینک در اینجا و اینجا، عناصری هر چه "خوش نیت" در هیات های ۷ نفری وجود داشته باشد، در رسالت عمومی این هیاتها تغییری نمی دهد و آن عناصر خواه ناخواه در خدمت این رسالت عملی خواهند کرد.

با طرح بودن این نوع اعمال - قدرت بوروکراتیک بوروکراتها، کاملاً ظنی است در قانون اصلاحات ارضی هرگونه ابتکار دسته جمعی دهقانان، هرگونه تشکل آگاهانه و آزادانه آنان (شورا و...) و کلاً هرگونه حرکت مستقل آنان نفی شده است. در این قانون - دهقانان حتی از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک مثل انتخاب آزادانه -

نماینده نیز محرومند و نماینده - بنشینند آنان باید مورد تأسیس حاکم شرع باشد. بر مبنای قانون مزبور، حکومت نه تنها از هر نوع تشکل آزادانه دهقانان جلوگیری می کند و از طریق هیات های ۷ نفره به اعمال قدرت می پردازد، بلکه برای جلوگیری از هر نوع برآمد، مبارزاتی و یا هر نوع اعتراض، دهقانان را در پیج و خم تعهداتی دست و پا گیر اسیر می کند. در آیین نامه، اجرائی قانون، تعهدات دهقانان در این بنسند بدوین شده است، در اینجا کافی است که بندهتم از این تعهدات را عیناً -

نقل کنیم تا هدف از تصویب قانون مزبور، که همانا به انقیاد در آوردن - دهقانان بوده است بیشتر روشن شود: "انتقال گیرنده ملزم به رعایت مفاد قوانین و مقررات و آئین نامه های مصوب دولت جمهوری اسلامی ایران بوده و در صورت تخلف، هیات و یا مسئولین امر متناوباً در تطبیق مقررات مزبور اقدامات مقتضی انجام دهند." این بندهتم چنان -

و ابعی طرح و واگذاری زمین را در این به تماشا میگذارد، که دیگر تباری

به تشریح آن باقی نمی گذارد. حال اینجاست که با وجود این همه شرط و شروطها و تعهدات، تمدید و واگذاری زمین نه تنها بستگی به "عملکرد مطلوب" دارد، و نه تنها "منوط به انجام کلیه تعهدات" می باشد، بلکه "منوط به سیاست کثا ورزی جمهوری اسلامی" نیز می باشد. یعنی به "صلاح و مصلحت رژیم بستگی دارد، همانطور که صلاح و مصلحت رژیم اقتضا نمود که حتی قبل از آنی که موردی از تمدید در کار باشد، کل مسا له واگذاری را معلق کند! این اساس "سیاست کثا ورزی جمهوری اسلامی" است.

پس بطور خلاصه قانون اصلاحات ارضی با مبهم گوئی، اما و گراها و تبصره های بی چند، دست حکومت و مقامات محلی را در تفسیر قانون باز گذاشته، تا با بودی بزرگ مالکی راه هدف قرار ندهد و فاعده را بر واگذاری اراضی موات گذاشته است.

واگذاری اراضی دایرالمالکان بصورت محدود و موقتی فقط یک استثنا - بحساب می آید. در عین حال برای اینکه هیچ حقوقی از بزرگ مالکان تضییع نشود پیش بینی های لازم برای پرداخت قیمت زمین و بنا سیات آن بعمل آمده است.

تمدید قرار داد زیکسو مربوط به "سیاست کثا ورزی جمهوری اسلامی" است، که سبب بلاتکلیفی است و از سوی دیگر منوط به تعهداتی است که دهقانان را عیناً -

به زانده حکومت تبدیل می کند. قانون مزبور ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک دهقانان را سلب کرده و قدرت پلیسی - بوروکراتیک حکومت را از طریق هیات های ۷ نفره بجای قدرت مالک می یاند.

بنابراین، آنچه که گذشت آشکار - میشود که قانون اصلاحات ارضی (مشمول بر بندج و د) رسالت با سخگوئی - خواستهای تاریخی دهقانان (زمین، آب، و...) و سایر مطالبات آنان (شورا و...) را ندارد. همچنین این قانون - وظیفه دارند که موانع فتو دالی رتشد -

مناسبات سرمایه داری را حذف کرده، - با از روسیعی برای فروش کالا و نیروی کار از آن و فراوانی را برای بورژوازی فراهم کند. این کار قبلاً توسط فرم ارضی شاه، از با لابنفغ بورژوازی - بقیمت خانه خرابی دهقانان انجام پذیرفته است. پس رسالت این قانون در چه نهفته است؟

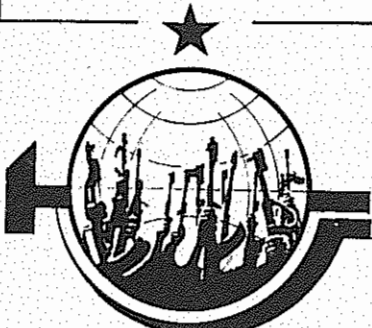
این قانون در شرایطی به تصویب رسیده که جنبش انقلابی دهقانی در اوج خود، با ممانده، بلاعوض اراضی بزرگ مالکان، با حرکت های دسته جمعی و تشکل شوراها بمثابه ارکانی برای قوت بخشیدن به اقدامات دهقانی و تداوم مبارزات آنها، نه فقط منافع بزرگ مالکان را بخطر انداخته بود، بلکه حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در روستاها را نیز زیر سؤال می کشید. همچنین آن دسته از نیروهای انقلابی و مترقی که در جهت تداوم انقلاب، از خواستهای انقلابی دهقانان پشتیبانی کرده، در جهت تشکل هر چه وسیعتر آنان و ارتقاء سطح مبارزاتیشان می کوشیدند از زمینه های مساعدی برای جذب دهقانان برخوردار نبودند، و همچنین شدت گیری تضادهای درونی جناحهای هیات حاکمه که در مابیت امر معدداً با زتابی از شیوه های مختلف جلوگیری از تداوم انقلاب و با زسازی نظام سرمایه داری - بود، همه و همه لزوم تدوین قانونی را در این باره اجتناب ناپذیر میکرد. بیس رسالت چنین قانونی، انحراف مبارزات دهقانی، سرکوب شوراها، جلوگیری از رشد



# ★ زنده باد انقلاب پرو (۸) ★

## جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش



بخش هشتم (بخش ما قبل آخر) این سلسله نوشته‌ها را با ادا مفعول و انفعالاتی که در درون جنبش اتحادیه‌گرایی و کارگری پرورخ میداد، آغاز میکنیم. تجارب و دست‌آوردهائی که جنبش کارگری پرو در این برهه بکف آورد، تجاربی است که بر غنای پیشینه جنبش کارگری، همدم محدودی جغرافیائی پرو، همدم درچراغ قاره‌ای آمریکا و لاتین و با زهم زان فراتر، به غنای دست‌آوردهای جنبش جهانی کارگران خواهد افزود. طبقه کارگر پرو در این برهه مواضع گوناگونی را که از جانب دشمنان رنگارنگش آراشته میشد، به محک تجربه زد. به جرات میتوان مدعی شد که رادیکالیسمی که هم‌اینک در بند جنبش کارگری پرو جریان دارد، عمدتاً "ریشه در تجارب بدست آمده از خدادهای طبقاتی این برهه از تاریخ معاصر پرو دارد."

طبقه نخستین اعصاب سراسری و گسترده، با اعلام فراخوانی درخشید، که از سوی "کمیته مبارزه متحد (C.M.U.) برای روزهای ۱۹ و ۲۰ ژوئیه سال ۱۹۷۷، آراشته شده بود. از آنجا که شرایط اضطراری اعلام شده از سوی دولت، همچنان با برجای بودو کارگران اعتصابی را همچنان خطرات خارج تهدید میکرد. دولت در پی آن بود که بیگانه را نداشتن هر چه گسترده‌تر از رهاهای تبلیغی و سرکوب خویش و مددگرفتن از بیختر - های خصوصی خدمات (بنگاههای کوچک حمل و نقل، رانندگانی که خود ما لاسک و وسیله نقلیه عمومی خویش بودند و غیره) از دامنه‌ی آمدهای اعتصاب هر آنچه که ممکن است بکاهد، در نخستین ساعات با مداد دروز ۱۹ ژوئیه، کارگران واحدهای بزرگ تولیدی که در خارج لیمیا میزیستند تمام می‌بزرگ راه‌های راه‌پایخت منتهی میشد، بستند و با سنگباران کردند هر وسیله نقلیه‌ای که اعتصاب شکنانه در آمد و شد بود، وقت و آمد را بکلی قلع کردند. اعتصاب عمومی همه جا داد گسترده بود. از معاندان مناطق مرکزی "اندس" گرفته، تا سواحلی که سنتاً به صید ماهی اختصاص داشت، اعتصاب همه جا بود.

اما نخستین شراره‌های با زتاب این عمل توده‌ای را، انوای خاشین، خیلی - زود به خاموشی سپرد. در غروب نخستین روز اعتصاب، "حزب کمونیست پرو (P.C.P.) با نفوذی که بر بخشی از رهبری "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو (C.C.T.P.) داشت، - هر اسان از گستردگی مبارزات توده‌ای که میرفت یا به‌های رژیم با ملاحظه شد - امپریالیست را ازین ضربه بزد و قضای آرام مطلوب رژیمست با خون و آتشش رنگین کند، اعلام نمود که خواست‌های کارگران از سوی دولت نظام میان برآوردنی است و ازین رو دیگر اعتصاب بس است. سوسیال رژیمست‌ها از کارگران - خواستند که مود دینا نه بسر کارهای خود - برگردند. همین، وحدت عملی چنان چنان سخت و چنان منجم به یکبار راه‌اندرون - ضربه خورد. فراخوانی جنبش خائفا نشه از سوی بخشی از رهبری "کنفدراسیون

عمومی کارگران پرو (C.C.T.P.)، کنسیری از توده‌های کارگران بیون هیچگونه پشتوانه‌های عملاً در برابر سرکوب بیرونی تیز رها کرد. پلیس و ارتش بورژوازی تیز لحظه‌ای را در بهره‌گیری از این شرایط برای فروگرفتن هر چه بیشتر جنبش کارگری از دست ندادند. صدها تن از رهبران اتحادیه‌های کارگری و دانشجویان نشوونای را دستگیر کردند. دستکم ۹ تن از کارگران در جریان این تهاجم توسط پلیس و دیگر نیروهای ویژه ارتش به خون خفتند، و خونتای نظامی بلافاصله اعلام کرد که ما چنان کارخانه‌ها را از این بی‌ایمانان اجازت نخواهد داشت تا هر کارگری را که بگونه‌ای به اعتصاب - گرایش داشته باشد، اخراج کنند. خونتای نظامی سران دانست تا تمامی دستاوردهای جنبش کارگری پرو را که به‌های سالین سال مبارزه خویش بکف آورده شده‌اند - یکبار زه‌زیرا گذارد. بدینال اعلام این مطلب، نزدیک به ۶۰۰۰ کارگر که اکثرشان را قلع‌لین اتحادیه‌های کارگری تشکیل میدادند، از کارخانه بیرون رانده شدند. بورژوازی پرو با بهره‌گیری از این - شرایط، قریباً دهمینده "حال منبوسد - سیاست عقلانی کردن تولید را بسری و برآستی عقلانی بیختر از این سراسری بورژوازی پرو از سوی خونتای عد - امپریالیست! : اخراج دستگیر - کارگران بدون پرداخت صالی بول، برای بورژوازی پرو این تنها می‌توانست بود. موهبت الهی یا شویس.

اما مبارزات کارگران همچنان استقامت و آنجا چشم میخوردند می‌توانستند بتدریج خواستار رکنت - های - اخراجی بسر کارسان، به‌اطلی سر - خواست مبارزات کارگری بدل شد، و همین مبارزات پراکنده سرآخوش ما به‌ای از آن بدگل بنست : ما را دیگر فراخوان اعتصاب ۴۸ ساعته برای روزهای ۲۳ و ۲۴ ژانویه ۱۹۷۸، از سوی کمیته مبارزه متحد، اعلام شد. در این زمان، به‌سراسری که از نخستین اعتصاب شد، - شراعت حاکم بر حزب کمونیست پرو (P.C.P.) بسیار رنجانی بود. بدینال عقب نشینی خائفا نه رهبری این حزب در جریان نخستین اعتصاب، بسیاری از کارگران و اعضای حزب، علناً رهبری را بدزیر سوال برده بودند. چند روزی مانده دومین اعتصاب عمومی سراسری، یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب، بنام "وسورا رگرا - آراناس"، کمیون حزب را منجم کرد که روزنا مدرسی حزب را به رگانی شخصی برای ارائه نظرات خود در ربط با حمایت بی‌چون و چرا از رژیم نظامیان بدل کرده است. بیانیته‌ای که امضای "رگرا - آراناس" بود، حاوی این نکته بود که کمیون سیاسی حزب در حمایت بی‌درج از خونتای نظامی، چه آن زمان که "ولسکو" بر قدرت بود و چه این زمان که "مورا لیزرمودا"، آنقدر ادا عراق پیبوده که بسبب نادیده گرفتن کشتی‌ها و نا رسانی - های موجود در عملکردهای دولت نظامیان شده است. این بیانیته منطقه انشعابی شد

بفصل دوم صفحه ۱۰

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش جهان

### زنده باد انقلاب پرو (۸)

همسای عزیز فعل انقلاب طبقاتی - سیاسی ایران، بحران اقتصادی نیز همچنان اوج گرفتارم، خونهای نظامی بسیار ۱۹۷۸ سال "ریاضت طلبی" نامند کارگران هشتاد سال را "سال بدبختی" نامیدند. پس از یک دوره دهساله حکومت با مصاحبه انقلابی، بواقیع در تنگنا قرار گرفته بود. حکومت گویا "آدمیریالینت" که آنهمه در سوخ و گریبان "ریالیست" خیالی خود می تاخت، به گونه ای عربیان افشار خود را بدست نظریه پردازان مادی و بنیانی (E.M.F) داده بود. خونهای نظامی دیکتاتور نبود که چگونه ای موم ترا حکمیت خویش را اعمال کند. امیران به همین امر نسبت زمند سازی آرزوینده نه آآنده بیکر برای پس کشیدن از قدرت از سوی اسنان در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۷ ز ترال "مورا لیزرمودا" اعلام کردند که در روش سال بعد، پروشا همد انتخاباتی خود میدهند که در این مجلس مؤسسان برای ندیده تا سن اساسی جدید تشکیل خواهد شد. همان زمان ز ترالها وعده دادند که بر اساس قانون اساسی جدید در مجلس مؤسسان گذاشتی، بطحان در سال ۱۹۸۰ قدرت را به غیر از مؤسسان خواهد سپرد.

مجلس مؤسسان فراخوانی مجلس مؤسسان، نیروهای چپ را نیز درگیر خود کرد. طرحی از جرحون های حاکمیت که در نهایت جنسی داشتند، انتخابات را بر طبقه های اجتماعی می خواندند. برای مثال طبقه های تولیدی سودای وهمین از این طرح به سبب درخواستهای آنها، امضا امیر پرو و شورای چپ براساس با ورود بدکده انتخاباتی حسی آخر در عمل نتوانسته ای برسد. مگر آنکه اندک منبرد، با زمینه ای از این امر، جو اهدا و در کده بر سران نیروهای چپ با طرحی جدید بنا نهادند از تریبون استقامتی به تبلیغ و ترویج نظرات - جویان دست رفتند، ایشان شرکت در انتخابات را که بی دروستانی عربیان نمودن هر چه سخن چوی و برترتی منافع طبقاتی سیاسی

استندند. با همین دروغ فنی ازناکتک های - مبارزی، چیزا خوبی برای اتحاد عمل با نام "اتحاد کمونیست مردمی" (U.D.P) که ۱۸ سازمان چپ را در خود جای میدهد، سازمانند. گرایش ۱۸ سازمان خود را از اتحاد کمونیست - کمونیست می خوانند، ولی در واقع آنها چیزی نیستند از حزب کمونیست بسرو با کمونیست (P.C.P.A) تا ترو و سکیست های حزب کارگران انقلابی (P.P.T) سراسر ایران.

درست در زمانه کار را از انتخاباتی، استناد بسرو و روح بحران خویش بسبب بسپرد، در ماه قیومیه، صندوق بین المللی پول دولت پرو را می خواندند. اقتصادی ایران بی بنی به قرار نامه های تدوین شده با خود خواند، ذخیره بانک مرکزی پرو تنها "آر آر آر" می بماند. با ناکهای خارجی سرعت نسبی دوام ۲۶۰ میلیون دلار را که در آن بود در اختیار نظامی، نظامی قرار دهند، پس گرفته شد. تنها اتحاد بسرویی بود که موافقت کرد تا شرایطی برای باز برای باز پرداخت بدهی های که دولت نظامی بسرو بندهای تجهیزات نظامی خود را می سده و بسرویی داشته فراهم کند. تحت حین شرایطی از بحران فزاینده اقتصادی، خونهای، یکی دیگر از برگ های

دفتربنا مه "ریاضت طلبی" را ارائه کرد. در حالی که نرخ تورم از ۸۰ درصد به ۱۰۰ درصد رسید، به یکباره بهای شیر، روغن، خوراکی و نفت دوباره اعلام شد، کارگران عضو فدراسیون منطقه لیسما، از "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (C.G.P.A)، فراخوان سومین اعتصاب عمومی را خواستار شدند. سومین اعتصاب گسترده سراسری در مدت کمتر از یکسال.

هنگامی که "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (C.G.P.A) و کمیته مبارزه - متحد (C.H.E) اعتصابی ۴۸ ساعته را برای روزهای ۲۳-۲۲ ماهه اعلام کردند. پلیس بورژوازی شروع به دستگیری مدعیان از رهبران اتحادیه های کارگری و سازمانهای انقلابی چپ کرد. در ۲۰ ماهه رئیس جمهور "مورا لیزرمودا" در - تلویزیون ظاهر شد تا مردم پرورا را اثرات ناشی از چنین اعتصابهای بر زمینها ترخوانی مجلس مؤسسان بهر اسانند، اما حین نتایجها بی شمر می نمود. چرا که خونهای پیش از این تاریخ نیز با دستگیری ۱۲ تن از کاندیدهای - سازمانهای چپ برای مجلس مؤسسان، نه بدیده ها بشیرا آغاز کرده بود. کمبری از - فعالین جنبش کارگری به انتخاب زندگنی مخفی رانده و روزنامه های مترقی نیز از سوی نظامیان توقیف شده بودند. زمانی که ز ترال ها فهمیدند که کارگران و زحمتگان مؤسسان به فکر این تهدیدها نیست، حالت فوق العاده نظامی را اعلام کردند و همسایان مؤسسان می موجود از نیز برجا گذاشتند. اما اعتصاب سراسری عمومی، چنان - کسریه ها و همکاری نی بود که به زحمت میشد، نمونه های هستک ما آن را در تاریخ معاصر میا روات کارگران و زحمتگهان بسرو سراسر گریخت. در نخستین روز، اعتصاب ز ترال ها، اعتبار را بغیرا تونی خوانند و بسبب - ما حیاه واحدهای تولیدی حتی اخراج بسوی چون اجرای کارگران اعتصابی را اعطای کردند. عبور و مرور رسانه ممنوع شد و بسوی سازمان تلاش در محدوده زمان ممنوع عبور و مرور، از زانی کردند. اما اعتصاب همسایان موفقیت آمیز و دوامین روز خود را نیز به سر گذاشت.

دستکم ۲۲ تن در جریان اعتصاب بدست پلیس و نیروهای ویژه ارتش کشته شدند. ۱۲ تن از کاندیدهای سازمان چپ که به تئورستد کسر شده بودند، به آزانتیبسین تبعید گردیدند.

هر چند که نشانهایی اینجا و آنجا بنحدم بخوردند اما بر سایرینکه چهره های اصلینسی خونخواهان را تلقین انتخابات مجلس مؤسسان اند، اما ز ترال "مورا لیزرمودا" همچنان بر فراخوانی مجلس مؤسسان اصرار میکرد، بر راستی آنها برای خونهای تبدیلی دیگر بانی مانده بود؟

انتخابات مجلس مؤسسان، در ۱۸ ژوئن انجام گرفت. در جریان انتخابات، نظامیان در شرایط فندان سازمان سیاسی از خود، بیشترین تلاش را برای بستن نی از - کاندیدهای "حزب آبرا" (A.P.R.A) نگار - بردند. "حزب کیش مردمی" (A.P.A) نیز هر اسان از قدرت بانی بسروهای چپ انقلابی، تمامی هم و غوغوی را بکار گرفت تا آرای خود را به نفع "حزب آبرا" (A.P.R.A) در صندوق ها بسرزد. شرکت های چند ملیتی در جریان - انتخابات عملاً "حزب ما و آرا" را بسبب "مردمی مسیحی" (P.P.C) را گرفتند، اما بسای این وجود ۲۵ درصد آرای که این حزب بسخود اختصاص داد، بسروشنی نمایانگر روی گردانندن هر چه بیشتر بوده ها از این حزب بسرمسدار "قوا حنی" الهی وارلی بود.

اما سراسری نخستین بار بستنیانی -

توده ای از سازمانهای چپ در جریان انتخاباتی از این دست، بواقع چشمگیر بود. با وجود تمام محدودیت های که از ما میا پیش از سوی خونهای فعالیت انتخاباتی این نیروها ایجاد شده بود، از دستگیری و تبعید کاندیدهای انتخاباتی گرفته تا بستن روزنامه هایشان و ممنوع خواندن انتشار آوراق انتخاباتی از یکسو و از سوی دیگر تهدیدهای که در سطح توده - ای انجام میشد تا ایشان را از حمایت توده ها محروم کند، ونیز با توجه به تعدد سازمانهای چپ، بدست آوردن ۱۶ درصد از آرای خود موفقیتی چشمگیر بود.

نتایج انتخابات برای حاکمیت نظامی کما ملا "غیر منتظره" بود حکومت در آرزوی چپ قرار گرفته بود، چرا که بسیاری از نمایندگان منتخب چپ هنوز با در زدن ان بودند و یا در تبعید، سراسر تمام دولت ناکزیر به آزاد - کردن شان از زندانها و موافقت با باز - گشتن از تبعید شدند. اما روزنامه های چپ و مترقی هنوز در محاق توقیف بسر - می بردند.

### اسامی شهدای...

۹/۱۵/۹۰	رودر	بقیه از صفحه ۲۰
۱۸۶	علی حسن زاده	"
۱۸۷	محمد علی طا هریور	"
۹/۱۹/۹۰	هدان	"
۱۸۸	فاطمه دادرشت	"
۱/۱۶/۹۰	رشت	"
۱۸۹	محمد ولیدوست گولی مجا هدیسن	"
۱۹۰	محمد تقی مغزی	"
۱۹	بنی مگرونی	"
۱۹۲	جمال بهمن پور	"
۱۹۳	محمد حاج حسینی	"
۱۹۴	جمال رحیم زاده فر	"
۹/۲۵/۹۰	رومیه	"
۱۹۵	ابراهیم یونجی	"
۱۹۶	خسرو صلاح زاده	"
۱۹۷	محمد تقسیم سوژه ای	"
۱۹۸	محمد کریمیسان	"
۱۹۹	رضا خوا	"
۲۰۰	علی قادر زاده	"
۲۰۱	حسین محمودی	"
۲۰۲	کریم اسلامی	"
۲۰۳	ابوبکر رحیمی	"
۲۰۴	عبدالرحمن پنا هنده	"
۲۰۵	یونس مها جری	"
۲۰۶	مصطفی اسما عیلا زاده	"
۲۰۷	خلیل بلوری	"

## ارزیابی ذهنیت حاکم بر توده‌ها

۱- تضعیف جوهری و وحشت  
بقیه از صفحه ۱

غول پوشا لی و رعیب و وحشت در دو ماه ... آبان و آذر و مخصوصاً آذرماه به لرزه در میاید، کینه و نفرت انباشته در قلب سب توده‌ها که تاکنون بیشتر از جفا نشدگان شعله میکشید و تنها در مباحث خانوادگی و "من بروزمیافت بر لبان و حتی بر زوانشان جاری میشود، حرکات نویسی در جنبش توده‌های آغاز میگردد، در تداوم بحران حاکم جوخه‌های و ترس روبه شکستن می‌رود و هر آشوب‌طلبی از خلق به فراخور خلقت‌های طبقاتی، آگاهی و سطح مبارزاتی با اشکال گوناگون به مقابله با ضد انقلاب بر میخیزد. میتوان گفت عقب نشینی - متوقف میشود و مقام و مت در مقابل جبهه ضد انقلاب در دستور قرار نمیگیرد، ایستادگی در مقابل مزدوران رژیم - که وجه ضعیف آن در مقابل مزدوران مسلح چون پاسداران و وجه قوی آن در مقابل مزدوران عسادی مثل انجمن اسلامی ها و جاسوسان است - به تدریج افزایش می‌یابد، تحریم همچنین عمومی ترین شکل مبارزه است اما بتدریج اعمال اراده، مستقیم توده‌های در اشکالی چون کم کاری و اعتصاب در کارخانجات نطفه می‌بیند، کوتاه سخن اینکه واقعیت مبارزات توده‌ها چشم انداز اعتلائی نویسن و در هم شکستن خفقان و وحشت را توده میدهد و بار دیگر این امر را به اشکات میرساند که هیچ تهدید و آزار و هیچ سرکوب و دیکتاتوری قادر نیست به تنهایی توده‌ها را از عرصه مبارزاتی خارج سازد. ما در زیر بخش‌های از گزارشات رفتار عینا نقل می‌کنیم

"بحران واقعا عمیق تر شده و جوهری و وحشت هم دیگر اثر ندارد، مردم قید همه چیز را زده اند و به محض کوچکترین اعتما دسر بحثی سیاسی را بازمی‌کنند" - "در هفته سوم چهارم آبان مباحث بالا گرفته و کارگران یک نوع تنها جبهه صحبتها نشان تشدید شده است، مدیران و انجمنی ها شیدا تر شده اند، واسطه آن در یکی از کارخانه ... ها دود فضا از ساعت ۴ به بعد تمام مدیران بدعت انجمن اسلامی در کارخانه مانده و راجع به مسائل اخیر صحبت کردند یکی از مسائل جلوگیری از ورود اعلامیه بوده است در این مورد نگهبانان را زخواست نمودند" - "کارگران دیگر ترس به رعیب و وحشت نمی‌دهند و این در تمام حرکات تکارگران در ۲ ماه اخیر دیده میشود، این خود ترس عجیبی را بر دل کارفرما انداخته است. بخاطر این موضوع مساله پاکسازی را کش می‌دهند، چون میدانند کارگران این دفعه ساکت نمی‌مانند، بقول یکی از کارگران اینها از ترس اینقدر مسالسه پاکسازی را کش می‌دهند تا بالاخره خودشان پاکسازی شوند، "در کارخانه بسیاری از بخشها به های فدکا رگری که تا مسال مقدرات انضباطی است مورد رعایت - کارگران قرار نمی‌گیرد" - "در باره دگا تنها سربازها به ندرت در نما شرکت می‌کنند، موقع سخنرانی ها اصلا گوش نمی‌کنند و مسخره بازی در می‌آورند، بتدریج مقابل افسرها و حزبی ها می‌ایستند و اعتراض می‌کنند" - "در یکماه اخیر جوهری و وحشت شکسته است، مردم صحبت می‌کنند، اغلب قبل از صحبت طرف مقابل را با نگاه محک

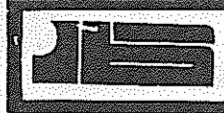
## سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

می‌زنند و بعد از اطمینان حرف می‌زنند، - اخبار خیلی سریع بین مردم پخش میشود، - اعتصاب در ایران ناسیونال روی روحیه مردم تا شیرمکس گذارده است و خیلی سریع همه از آن باخبر شدند، مردم از شدت اختلافات حاکمیت خیلی خوشحال شدند و اغلب منتظر درگیری های حادثی هستند" -

به این مسائل باید جوجا کم برمدارین و روستاها را نیز افزود که اخبار آن مرتباً در نشریه درج شده است. - تحریر همچنان عمومی ترین شیوه مبارزاتی است، در بسیاری از مدارس - مراسم صبحگاهی و کلاس ایدئولوژی - بسیار خلوت است، مثلاً در دبیرستان آیت الله سعیدی محصلین در مراسم صبحگاه حاضر نمی‌شوند، کلاس های ایدئولوژی - همیشه خلوت است حتی مسئولین محسور شده اند سر کلاس وصف بیوسه می‌گویند چرا - دانش آموزان به کلاس ایدئولوژی - نمی‌آیند؟ چرا به مراسم توجه ندارند و چرا ..... در محلی فالانها فیلیم سینمایی می‌آورند و جوداران بودن - بلیط تنها ۲٪ آنهم بچه ها رفتند، "مقاومت در مقابل فعالیت‌های اجباری مثل تعاز، حجاب، شرکت در سخنرانی ... روبه تشدید است اکثراً شرکت نمی‌کنند" - اکثریست دهقانان شمال از فروش برنج به دولت خود - داری کرده اند حتی در چند مورد (دو - مورد آن به ما گزارش شده است) کشاورزان که زیر فشار پاسداران قرار داشتند محصول سالیانه خود را آتش می‌زدند تا به آنها نهند اما فقه کردن یک تومان به قیمت خرید برنج از جانب دولت نیز سودی نداشت، کما و روزی میگفت "من برنج خود را به دریا می‌ریزم اما به دولت نمی‌فروشم، بطور کلی تحریم فروش برنج به دولت فعلی ترین حرکت تحریمی در این مقطع بود.

هر چه به آخرین مقطع نزدیک میشود حالت آنها جم و تهوور در توده‌ها افزایش - می‌یابد و با لاض ایستادگی آنها در مقابل مزدوران رژیم تدریجا شکل میگردد، بعد از اینکه فالانزی در مورد یکی از کارگران گزارش رسمی نگارگران قسمت او متحدا خواستار انتقال وی به بخش دیگری مترون در کارخانجات زامیا دگاری به یکی از انجمنی ها می‌گوید "من تا ... نمی‌روم" برای نیامتن می‌خواهم" حزبی میگردد نمی‌توانیم بدهم "کارگر با اعتنا نسبت می‌گوید "تو غلط می‌کنی نمی‌دهی این کارخانه مال ماست حال که نمی‌تونی بدهی منتظر روزی باش که گوشت را بگیریم و بیرون بیاوریم" انجمنی در حالی که کلا "سرخ شده بود و در می‌شود، در کلاس شبانه یک حزب الهی به کارگرمخاطب می‌گوید "حسی بیگی جوجه کمونیست" کارگرمزبور فریاد می‌زند "آره کمونیست هستم چی میگی" و آرام به دوستی می‌گوید "کمونیستها سرف دارند جانشان را برای ما میدهند" و به حزب الهی می‌گویند تا راجتی بلند شو جای دیگر بنشین

هر چند کارگران در این مورد بیش از هستند - و موارد آن متعدداست - اما این شکل برخورد در سایر اقشار نیز شکل گرفته است، فردی که برای خرید تاکسی مورد استنطاق مذهبی قرار میگیرد، بعد از - اینکه از جواب در می‌ماند از حزب الهی می‌پرسد "سویاب ما شین کجاست دیروز" چنددمع دارد "حزب الهی شیدا" اعضایی



میشود، همین فرد دوبا ره می‌برد" اگر در رکعت پنجم نماز تک کنی جگای می‌کنی" حزب الهی می‌گوید "استخاره فرد مزبور می‌گوید تا مسلمون نماز که اصلا رکعت پنجم ندارد" او را از اتاق بیرون میکنند اما وی مصرا نه می‌ایستد و بالاخره موقن میشود تا کسی بگیرد، بزرگ محصل خطاب به او ترتیبی می‌گوید "نما چه مرسوط شما میخواهید ترتیب با دبحه من بدهید، یا او را جاسوس ساواکی با ریا وریسد، کور خوانده ای بدمن هر روز به جوام می‌گویم شما چه جانتا بیگارا شای هستی" وقتی در یکی از کراه های کرج بحث ضد رژیم جاد میشود در میان مسافران یک نفر طرفدار رژیم بوده است که به یکی از مسافران می‌گوید شما آلت دست منا فقیه نشود را ازنده ما شین را کنار حاده نگه میدار و می‌گوید "بفرمائید یا شین من حوصله شنیدن "بحث شما را نسا کرج ندارم، اعصاب مرا خرید کردید، شما ره ما شین راهم دوست داشتنی بردا" شخص - مزبور با غرغریا ده میشود، حواسن محل مسئول صحبت بود که با ساداری داخل جمع آنها میشود و می‌گوید "تکفم ایستاد بحث نکنید، ایندیده سلاقی من رژیم" "خوبی محل میرسد بر خنده، یکی از آنها خطاب به پاسدار می‌گوید "قلانی اینقدر نیست صحبت نکن، پس فردا اگر زورق برگردنا حور میشود، جای خالی هم بگذارد" پاسدار با عصا سمت محل را ترک می‌کند، "بفرمائید سبجی که دمسوه فروسی به اعتراض به تعیف کارتن را در مساوردها ج مازا زنده اندرا می‌گیرند و با کادادند می‌گوید "به این کارتن را ساسان بنده اگر گران است بگو مسخری تا نمی‌خری فقط به من کار نشان نده" در صف تخم مرغ وقتی کسی تعیفی ما مور نظم به یکی از زنها تو همین میگردد - می‌گوید "فکر کردی جون با سادارنده ای" میتوانی هر چیزی که دلت خواست بگویی و در مقابل تهدید پاسدار با تخم فرما دسیرید "غلط میکنی تا زه سیری کسب جگای" می‌خواهند بنکنند، مگر مسواک ندهه را بکشند "در صف مرغ در منطقه ای رمتکس نشین تهران وقتی زنی خطاب به خاسم دسیری که رژیم را آفشا می‌کرد می‌گوید "نما صدا انقلاب هستی" همه زنها در صف عصا سسی شده و او از صف بیرون می‌کنند و می‌گویند "حال که اینطور شد و همه ما صدا انقلاب هستیم هر غلطی که می‌خواهی بکن در می‌زنی" مدارس آمده "۲۷ آبان ما در ... خلاصه سخن کردیم بردان در مدرسه خوب بود، دیگر بدها اعلامیه ها را قلم نمی‌کردند و خطو حزب الهی ها می‌خواندند، یک حزب الهی به یکی از بچه ها گفت "تخوان، چیزی نیست که در عقل سسور اما فکند "دانش آموز گفت خوا بدش سسر بردارد" و بعد از آنکه حزب الهی اعلامیه را با ره کردنا خنده و مسخره بطرف دوستش کرد اعلامیه دیگری داشت رفت و با او سسر رفتند خواندن کرد، در کارخانه ای سراسر اعلامیه کارگران پیشرو، کارگرمسوط سسی اعلامیه را در جبهه اعلانات انجمن اسلامی نصب کرد که تمامی کارگران جمع شده و آنرا خواندند.

برحسته ترین متحصه این مقطع شکل گیری حرکات جمعی مبارزاتی توده‌هاست که عمدتاً "با خواستهای اقتصادی شروع میشود و در مواردی در تداوم خود به طرح کوتاه مدت خواستهای سیاسی رسیده است. کیفیت و کمیت این حرکات در طبقات و بعد در متحد ۱۲

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

### ارزیابی ذهنیت حاکم بر توده‌ها

شماره ۱۱

اقتدار مختلف کما ملا" متفاوت است . . .  
 بیرونلنا را از لحاظ اسجام یافتگی ، بی  
 کبر ، پندار و محرکات آشکارا از همه جلوتر  
 می‌باشد . اما بهر صورت خودا همیشه جلوتر  
 عدم حضور فعال بیشتر در این حرکات  
 مشترک است . مانعونه‌های متعددی از  
 این حرکات را در دو مین قسمت از سوری  
 مقالات " بررسی اشکال معادلت و مبارزه  
 توده‌ها " برگزیدیم و از آنجا که این  
 خودداری می‌کنیم ، تنها به ذکر چند مورد  
 دیگر که نسبت به نمونه‌های مذکور در سطح  
 تا شن ترقی فرار و پندار یافته می‌کنیم .  
 در سرگمی کارگران و کارمندان به  
 عورت بیگانه‌ها و پاره‌پاره شدن متنی توسط  
 احسن اسلامی خلوکری پعمل آوردند .  
 مضمون این مینجیل بود " مردان اکبر  
 به بدن زینا نگاه کنند حرام است " از رساله  
 خمینی . سنا پکارگران و کارمندان آشکارا  
 مسخره می‌کردند . در موردی که حقوق یک روز  
 کارگران را بدون اطلاع آنها به تصحیح  
 چند دکان کم کرده بود ، هدیه اعتراضی  
 برجا شدند و برای اعتراض خود پستادگی  
 کردند . کارگران با این وسیله که به افراد  
 سازمانی و غیر سازمانی می‌تواند آرام  
 شد ، در کارخانه‌های کارگران برای  
 بار دانی ها و خواسته‌ها می‌ها کمک  
 ما بر این نوع از روشی که در همکاری اکثریت  
 کارگران حسگر بود . در انونوسی بعد از  
 با اکثریت سخت بحرب الهی می‌گوشید  
 " اسلامی " اما مملووات بفرستید " بحر خودی  
 و چند نفر دیگر هیچکس صلوات نمی‌فرستند  
 بیورسی که ما رفتن زرم آقا کری ، می‌کرد  
 " می‌گوشید " اسلامی خودمان و جوانها  
 صلوات بفرستید " خوبس بکندا صلوات  
 می‌فرستند .

و تعدادی که با بدگفت که اعتراضات  
 و جنبشهای سیاسی از محاذ خارج دادگی و  
 جمعهای مورد اطمینان ندریا " به مجمع  
 عمومی که تا آنده و روز بروز سیاسی تر  
 میشود . اما ختم توده‌ها اگر چه سیاسی  
 رژیم را در بر میگردانند آنجا که بحث به  
 سیاسی غیر سوسیالیست یا تغییر بحث  
 بود . چون توده می‌تواند ، با جدا کردن  
 سوسیالیسم از جنبش سوسیالیستی ، بروز  
 چشم مردمیست به خمینی هنوز در محاصره  
 خصوصی یا عمومی بسته تر محصور است .  
 موارد علیی دست نهاده عمومیت ندارد و محدود  
 می‌باشد . در جنبشها ، علیی کارگران . . .  
 آنها را به بدست خرده بورژوازی ، دانش  
 آموزان و روشنفکران انقلابی بستن از  
 اما کارمندان با اخص اقتدار با لائی آنها  
 با تسلط بسیار برخوردار می‌گردد . با این  
 گفته در تمامی به جنبشها ، بیان با ارزیابی  
 محیط و اطرافشان تعیین میشود و توده‌ها  
 در این مورد خوار گردانند و این را به  
 نفس می‌بندند .  
 در کارهای در آستانه آمده است " اعتراض  
 . . . ها از حالت بی‌زمن به جنبشهای اصولی  
 تغییر جهت داده است ، مقدار زیادی از  
 ترس کارگران کاسته شده است . بر مسائل  
 کانونی به بحث می‌پردازند ولی این  
 نسبت ها هنوز با احتیاط همراه است  
 ناواسط آنان سوسیالیستها را شنیدند  
 محتاطانه است ۸/۱۵ درصد یک کارمند  
 ضمن اعتراض به وضع موجود رژیم را به  
 دشمن می‌گیرد . سه نفر دیگر که زحمتکشان  
 بودند حرف نمی‌زدند و با شنیدن فحشها  
 خود را می‌کشند " یا بیس جوانی که شیدا  
 حاکمیت را محکوم کرده و با فشاگرایی  
 بد خبی از آن همه مسافرین خاموش  
 دیدند ، به نظر می‌رسد دیگران را نوعی ترس

فر گرفته . . . . . میتوان گفت معمولا -  
 افرادی که بدون مقدمه و خیلی بی پروا  
 به رژیم می‌تازند مردم حزب الهی می‌شمارند  
 " دریا " کارخانه در جلسه شورای فرماندهی  
 یکی از نمایندگان فرماندهی از کارگران  
 پرسید آیا شما برای حل مساله ممکن و  
 خانه‌های واقع در میدان آزادی پیشنهادی  
 دار می‌کنی از کارگران با صدای بلند گفت  
 " آره ، اما در پیشنهادها ما " همه در میان  
 کارگران با لا گرفت " در تا کسی را ننشده  
 به خانم خرده بورژوازی میانگه به با مداران  
 فحش میداد گفت " بطور جرات می‌کنی حرف  
 زنی تو را می‌پریم کمیته‌ها " زن گفت " بر  
 از هیچ ترسی ندارم بگوین من رنگینتر  
 از بقیه‌ها هستم " از آنده گفت حال من ایستاد  
 مرا نمی‌کنم خانی که بغل شما ننشده حس  
 خانم بغل دستی که جا درسیها می‌دانت بسا  
 عصا نیت گفت " چرا تو همین می‌کنی مگر من  
 جا سوم " در رو سانی از تو باقی طالبان  
 روی در منزل یک روستای نوشته بودند  
 " مرگ یر خمینی " فردی از صاحب منزل -  
 پرسید " میدانی چی نوشته‌اند " روستایی  
 بیروز خمینک بلند گفت " بله که میدا ، تم  
 رحمت به سیر آنکس که نوشته کوریدار این  
 پدر سوخته های خونخوار " را ننشده تو بسوس  
 مسافربری در جواب اعتراضی دو نفر که -  
 " چرا برای نماز ننگه‌ها شتی " خطاب به  
 مسافرین گفت " فیلا " اسم آن را زمین  
 می‌کشیدند تا مردم را فریب بدهند ما در -  
 این شرایط شما می‌خواهید زمین را به  
 آسمان برید ، با آنرا ۴۰۰ مسافر ۲۸ نفر  
 نمی‌خواهید زور که نیست " قضای در حال  
 بیخند ، گوشت در عکس بهشتی میگفت  
 " دیگر مجبور نیستیم کا غنیمت تو عکس  
 اقبالیان گوشت می‌چیم . از این رژیم عکس  
 های مفت و مجانی به ما رسیده است " .  
 اما از نتیجه آیان به جلوجورع و وحشت  
 بیشتر تضعیف میشود و دیگر حتی حمله های  
 مدبوخانه رژیم سیرتا شیری ندارد ، در مورد  
 بمب گذاری ها می‌گویند که فرودگاه مقدس  
 و راه آهن خمینی نظرتوده‌ها را میتوان  
 از زبان یک زن کارگر شنید که میگفت  
 " این مساکار ما هدین نیست همین حزب  
 - الهی ها می‌گذاردند بعد می‌گویند گروههای  
 خدا انقلاب گذاشته اند ، شما که همه را می‌گردید  
 پس کی بمبها را می‌گذارند ، شاه هم ایست  
 آخری ها با ننگ ها را آتش می‌زد و میگفت کار  
 ملت است " مرد جوانی در زحمتکشی در انونوسی  
 با زبان ترکی و بلند بلند خطاب به کسی که  
 پرسیده بود " خدا انقلاب کیه " میگفت " معلومه  
 خدا انقلاب که شاخ و دم ندارد آنجا می‌هستند  
 که جوانها را می‌کشند و گردستان را به آتش  
 می‌کشند " او موقع پیدا شدن بلند خطاب  
 به مسافرین گفت " کوریدار هر چه ضد انقلاب  
 است " یا مرگ خیا خطا به جوانی که در  
 جمع صحبت میکرد میگفت " تو مواظب خودت  
 باش مرا که می‌بینی دیگر به اینجا می‌رسیده  
 و هیچ ترسی ندارم فوفش اعدام می‌کنند از  
 این که بیتر نیست " چنین نمونه‌هایی -  
 بسیار است و علت بروز و رشد آنها را میتوان  
 به سادگی از زبان یک راننده تا کسی شنید  
 که میگفت " میدا نید علتش چیست ؟ علتش  
 فشار زندگی است ، مردم وقتی می‌بینند -  
 گوشت نیست ، برنج نیست و همه چیز گران  
 است به خودشان می‌گویند مرگ از این زندگی  
 بهتر است دیگر از چه چیز ترسند ؟ " در این  
 رابطه کارگران در بحثها پیشنازند و  
 اقتدار خرده بورژوازی با لای بخش میان  
 هنوز محتاطانه برخورد می‌کنند و " دودل"  
 هستند .

پدیده‌ای که در انتهای این بخش به  
 به آن پرداخت و با بددقیقا " مورد توجه  
 باشد عدم حضور فعال بیشتر در حرکات مردم  
 بقیه در صفحه ۱۷

### رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۸  
 نیروهای مترقی ، و . . . کلا " تشبیت رژیم  
 سود .  
 حال ، با این وجود ، روی پوینستها  
 همچنان قربا دمی کشند " و " د " را اجرا  
 کنید و هفتان را بطریقی انقلابی آنچنان  
 که شورای انقلاب مقرر کرده از قید و بندها  
 برهانید ، آنها برای گنجانیدن قانون  
 رفرمیستی و مصلحت گرایانه شورای -  
 انقلاب ، در پوست شیر ، بندتنها ما هیت آنرا  
 از دیده توده‌ها پنهان میدارند ، بلکه با  
 چشم پوشی فرصت طلبانه از تمبره های  
 سندج و د که جز " لایحزای این دوبند است  
 آنرا بعنوان قانونی انقلابی بخورد -  
 " خلق الله " می‌دهند ، آنها برای قربانی  
 کردن توده‌ها در پیشگاه حاکمیت از هیچ  
 کوششی فروگذار نمی‌کنند . و همچنان که  
 برای " انقلابی کردن قانون اطلاعات  
 ارضی بقبل واقعات و مسائلی می‌پردازند ،  
 آنها نقل قولهای معدود و عوام غریبانه  
 اما نشان را در باره " حقوق رعایا " -  
 بزرگ نویسی کرده و آنرا در بوق و کرنا  
 جا می‌زنند ، ولی فراموش می‌کنند ( یعنی  
 سا نسور می‌کنند ) که حتی برای یکبار  
 عمل کرده و بنیاد اصلی سران حکومت و از  
 جمله امامان را با زگو کنند ، " سوا " ( ۱ )  
 از قلمی فتنگه که ما نشان گفته است  
 مملکت اسلامی است ، ما لکیت را بر سمیت  
 می‌شناسد . . . . . در مورد زمینها گفته  
 بودند که می‌خواهند زمین ها را از مردم  
 بگیرند و جا آنکه مورث زمین موات که  
 هیچکس در آن زمین کاری نکرده است  
 صحبت درست بود " کسی چه میداند ، شاید  
 هم این سهوا القلمها و فراموشی ها برای  
 شکستن " دکمه‌های حاکمیت باشد ولی چه  
 حیف که این حاکمیت قدر زحمت شباته  
 روزی اینان را شناسا خنده و زروی نشا -  
 سیاسی طی اطلاعاتی از طرف ستاد  
 مرکزی واگذار زمین از اینان بعنوان  
 " جریانی رسوا " که در کوی و بسوزن  
 شروع به تبلیغات بی هویت نموده  
 یا دگرده است ، در جمهوری اسلامی حتی  
 خورشیدی هم جرم است !  
 بهر حال ، از یکطرف این رژیم  
 توانائی و خواست اجرای اصلاحات -  
 ارضی ، حتی در همان محدود قانون  
 رفرمیستی شورای انقلاب را ندارد ، این  
 دیگر از بدیهیات است ، و این امر نیز  
 با بدتاکنون بر اساس تجربه چند ساله اخیر  
 روشن شده با شکده رژیم زما تن بسته  
 عقب نشینی می‌دهد که تحت فشار جنبش -  
 های توده‌ای و دهقانی قرار گرفته باشد  
 و این شیزه شباته رسیده است که وقتی  
 فشار بر طرف شد و یا کاهش یافت ، -  
 رژیم همان را از قلمی را می‌زند و کلیه  
 تعهدات خود را زیر پا می‌گذارد . از طرف  
 دیگر ، قانون اصلاحات ارضی ( از جمله بند  
 چ و د آن ) نمی‌تواند با سخگوی مطالبات  
 تاریخی و نویین دهقانان باشد ، این را  
 دهقانان انقلابی خود ، بیس از قیام ،  
 در عرصه کارزار واقعی بعینه می‌شنان  
 داده اند که چه می‌خواهند و چگونه می‌خواهند  
 بنابرین ، در این مرحله از انقلاب  
 و با توجه به دست آوردهای جنبش های  
 انقلابی دهقانی ، با سخگوی بسته  
 مساله ارضی و دهقانی از طریق " اصلاحات  
 ارضی " دموکراتیک و ممال دره " انقلابی زمین  
 و کلیه وسایل تولید زمینداران بزرگ  
 و واگذاری آنها به دهقانان از طریق  
 شورا های دهقانی و لغو کلیه دیون -  
 دهقانان به با ننگه ، زمینداران و ربا -  
 خواران " می‌راست .



# ابعاد نوینی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی

## سخنی کوتاه با اقلیت‌های مذهبی

بقیه از صفحه ۱

اسلامی را چون دیگر اقشار و طبقات خلسه‌سخت متحمل شوند، نه تنها باید با رگرانی روز - افزون، بیگاری‌خاندان برانداز، جنگ ارتجاعی، کمبود مواد اولیه مورد نیاز، بی‌مسکنتی و صدها سختی دیگر بردوش کشند، نه تنها باید چون دیگر کارگران گشتا شوند، نه تنها باید چون تمامی زحمتکشان استثمار و غارت شوند، بلکه مستورکوبی جداگانه‌ای نیز بر آنان اعمال میشود. ستمی تنها به خاطر "شیعه" نبودن، ستمی تنها به این علت که مذهب حکام دژخیم را ندارند.

ما با راه‌های موردی که گفته ایم، گفته‌ایم که چگونه رژیم اقلیت‌های مذهبی را بشویند. درجه دوم و هموطنان به نسبت بحساب می‌آورد. گفته‌ایم که چگونه انسان را "جنس" محسوب می‌کند و حتی در برخی موارد از زور و دستان به منازجه‌ای عمومی جلوگیری می‌کند، گفته‌ایم که چگونه از استخوان‌ها در بسیاری موارد جلوگیری میکند، حق تحصیل مساوی آنان را زیر پا می‌نهد، گفته‌ایم که چگونه آنان را از سوی مرتجعین مورد آزار قرار می‌گیرند و حتی حق برگزاری آزاد مراسم مذهبی خود را نیز در بسیاری موارد ندارند. گفته‌ایم که چگونه رژیم حق تحصیل فرزندان مادری را نیز تضییع کرده و سلب کرده و چگونه تمامی حقوق انسانی آنان را زیر پا نهاده است. آخرین حرکت سرکوبگرانه رژیم در رابطه با اقلیت‌های مذهبی سلب حق تحصیل به زبان آلمانی در مدارس آلمانی و همچنین سلب حق تحصیل از زوج‌های اقلیت‌های مذهبی بود که اتحاد و مبارزه توده‌های زحمتکشان این اقلیت‌ها و خاصه مبارزه زحمتکشان مسیحی در این مورد مجبور به عقب نشینی شد. اما این یک زخم خورده در مقابل این عقب نشینی دیگر حرکات ضد انسانی خود را شدیدتر کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی که انسانها را تنها برده، سرمایه می‌خواهد، و زنان را چسبون کالانی بی‌ارزش، و با ابزاری جهت ارتقای حیوانی ترین امیال می‌نگارد اینک دست به اعمالی می‌زند که به جرات میتوان گفت تنها در دید قدرت‌آمام و مزدورانش است و پس، در شهریزداتنگ برای چندمین بار دختری زرتشتی توسط فالانزده‌های حکومتی ربوده شده و بزور - به اصطلاح پس از اسلام آوردن - به عقد مزدوری از - مزدوران سرمایه درآمده است. این تجاوز به عین آشکارا که برای چندمین بار در شهریزد صورت می‌گیرد نیز بر نظر مستقیم آیت‌الله مرتجع صدوقی نماینده امام و "امام جمعه" استان انجام میشود. ما خرابدین قرار است که دختران زرتشتی در راه مدرسه، در راه خرب، و با از خانه، دوستانشان زور ربوده میشوند و به خانه صدوقی مزدور برده میشوند. از این پس از احوال آنان اطلاعاتی بدست نمی‌آید و تمامی ارگانهای دولتی نیز از زپی گیری ما جاسوس را می‌زنند پس از مدتی روشن میگردد که دختر "به عقد شرعی" با سدار، کمیته‌چاپی مزدور دیگری درآمده است و حق ملاقات با خانواده خود را نیز ندارد. در آخرین مورد پس از پی گیری های فراوان از سوی خانواده، دختر

از سوی مقامات مسئول، به آنان گفته میشود در خانه بمانید دخترتان به تنهایی تلفن می‌زند و میگوید که از سر زغ و میل مسلمان شده است. پس از مدتی دختر تلفن می‌زند. ابتدا با اطمینان می‌گوید "مرا نجات دهید" اما پس از "ارشاد زشت تلفن" گسه توسط کتک و ضرب و شتم صورت می‌گیرد. میگوید "من با رغبت خودم آمده‌ام" و تلفن قطع میشود.

بهر روز کار این اعمال ضد بشری، زرتشتیان را بیداد به خشم آورده است چنانچه در جلسات نیروی این اعمال را بشدت تضییع و محکوم کردند و خواستار انجام اقدامات عاجل و فوری در این مورد شده‌اند. از همین روال لازم دیدیم در سخنی کوتاه با زحمتکشان اقلیت‌های مذهبی، رهنمودهایی به نیروهای انقلابی و پیشرو آنان بدهیم تا در رابطه با پیشروان زرتشت این بخش از توده‌های تحت ستم آزارکار گیرند.

محور تمامی حرکات ما رشد آگاهی توده‌ها و متشکل نمودن آنان در راستای تداوم بخشیدن به انقلاب و به قطعیت رسانیدن آن است. روشن است که این اعمال تنها در کوران مبارزه طبقاتی است که شکست می‌گیرد، تنها سخن بر سر اینست که چگونه و به چه طریق باید این مساله را به پیش برد. ما در اینجا، جهت هر چه مشخص تر بودن رهنمودها و تحلیلها، ابتداء رهنمودها را در رابطه با اقلیت مذهبی زرتشتی بخصوص در مورد مساله مشخص موجود ارائه میدهیم و آنگاه از میان این سخنان خطوط کلی رهنمودهای عملی برای حرکت نیروهای انقلابی در میان اقلیت‌های مذهبی را - مشخص می‌کنیم.

انجمن فطری زردشتیان (تهران) که در ابتدای شکل گیری خود با حرکتی انقلابی، با اتکاء به توده‌های زردشتی و نیروی راه - های انجمن ارتجاعی فطری بدیده است نیروی است که در شرایط کنونی - مردم زردشتی انگار "آزاد شده" بودند. صدانند. این انجمن دارای ترکیب سیاسی بینا نیستی است که با وجود برخی نیروهای دمکرات و انقلابی در آن کاملاً قابلیت را دیدگاه‌های خود و همراهی آنها حرکات توده‌ها را داراست. از اینرو باید دید جهت هر چه راه‌یکالانیزه کردن این انجمن و پیشبرد سیاست انقلابی در آن چه باید کرد؟

۱- نیروهای انقلابی باید در جلسات علنی انجمن شرکت نمایند و در آنجا - خواسته‌های توده‌ها و راه‌های انقلابی حل مشکلات را طرح کنند. این حرکت با عین تقویت نیروهای دمکرات و انقلابی انجمن و در دیگال تر شدن آنان میگردد.

۲- نیروهای مترقی انجمن باید به ارتباطات تشکاتک تر، با توده‌ها برقرار کنند. باید مسائل را از طریق مختلف و کاملاً متنوع از طریق شرکت در اجتماعات مردم از طریق نشریات، اعلامیه، نوشتجات دیواری (با امضاء و بصورت کاملاً علنی) با مردم زحمتکش در میان بگذارند و از این طریق بنشینانی آنان را خالص نمایند و

یکوشنده مرتجعین را منزوی و طرد کنند.

۳- نیروهای انقلابی چه در درون حده در سرون انجمن باید تمامی توان خود را بکار گیرند تا انجمن شکلی مرتب (ماهانه یا یکماهه و نیم یکبار) جلسات عمومی و همگانی برقرار نماید. باید توده‌ها را وسیعاً در رابطه با شرکت فعال در این جلسات تبلیغ شوند.

این جلسات باید به بررسی بیان کارهای و انعکاس خواسته‌های توده‌ها در رابطه با تمامی مسائل احتمالی باشد. در این جلسات باید بدینروهای ارتجاعی انجمن افشا گردند و از این طریق در میان توده‌ها منزوی شوند.

۴- در مورد این مساله مشخص باید کوشید تا انجمن را وادار ساخت تا بر حرکت اعتراضی توده‌ها صحنه سپرد و از درجه - ۱ احتیاطی حقوقشان را انکال معرفی و در شکلی انقلابی از جمله راه همگانی، تحصن و ... به پیش برد.

\*\*\* میتوان در کل نتیجه گرفت که به انقلابیون و نیروهای مترقی در میان اقلیت‌های مذهبی باید در عین تشکیل و رشد سازمانها، با انجمنها و کمیته‌های توده‌ای و مترقی، نیروی کافی در رابطه با مقابله با شکل‌های بنیادین و حتی زردک - مخصوص توهم توده‌ها را خود جلب نموده‌اند. بهیندوار این طریق در عین کوشش در جهت راه‌یکالانیزه کردن حرکت این شکلها آگاه‌های راه‌مان توده‌های زحمتکش بریند با بدین عین بهره‌گیری از مبارزات، قاضی، مبارزات توده‌های اقلیت‌های مذهبی را به مبارزه‌ای انقلابی ارتقا داد. هر چند و بهترین توده‌های این مذهب کوچکترین توهمی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ندارند ولی این مساله معنای درک لزوم مبارزه انقلابی بر ضد این رژیم نیست. از اینرو باید در عمل و در تجربه به آنان فهماند که سرکوب آنان، و با ابعاد حقوقشان نه بدست یک یا سدار، یک کمیته‌چاپی، یک شهردار - بدست معاون آموزش و پرورش، نه بدست صدوقی و دیگر مرتجعین چون او، بلکه بدست رژیم جمهوری اسلامی است. باید به آنان آموخت که باید در جهت سرنگونی این رژیم مبارزه کرد. مبارزه‌ها این مطالب را هم مبارزه انقلابی با رژیم حاکم نیست، باید به آنان آلترتاسو ... های انقلابی را نشان داد.

در این مساله اگر مثلاً "انجمن زرتشتیان نامه نگاری به سران رژیم را بسته می‌کند" و یا نفوذ خود هر چند به سختی اما به صورت مردم را دنبال خود میکشاند. باید از طریق این حرکت را احیا کرد و راه‌حل انقلابی را ارائه داد. باید، و سر کرده رژیم در مقابل نامه عقب نشینی، در این شکل و مبارزه ماست که راه‌حل می‌باشد. و از طرف دیگر باید در این انجام این تجربه و شکست آن - یعنی گرفتن جوانی سر بالا رژیم، آلترا الکتون و در حرکات بعدی با استناد به آن مقابل شوهرای رفرمیستی استناد. این رهنمودی است که به جهت تمام سنی انقلابیون و نیروهای مترقی، نباید از این بقیه در صفحه ۱۵

## هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

### نقد و بررسی یادگزارش

از ساعت سه شب به بعد نیت ها را برپا فراد  
بخصوص می فرمودند بعد هم خود را از حلقه  
مهاجره خارج کردند وقت مردم ما بوس یکی  
یکی با غرور و سرفروزی روی دیوار نزدیک  
شعبه منفذ شهری از زمان شاه با خط درشت  
قرمز برجای مانده بود کسب و داشت و  
بجزین دستور نامه ها...

گزارش فوق حد از نظر شیوه نگارش  
بخصوص از نظر شیوه گزارشده می موفق  
است هر چند تا سستی ها بی نیز دار که به  
این اشاره خواهیم کرد.  
رفیق گزارش و تنظیم گزارش  
شیرینا تماما ره نموده های داده شده  
را رعایت کرده است گزارش بر کاغذی  
نازک که بر یک طرف آن بصورتی خوش خط  
و خوانا نوشته شده است تنظیم شده اطراف  
کاغذ حدودا سانی متر سفید باقی نهاده  
شده که بر روی هم با زتاب نظم و وقت رفیق  
گزارشگر میباشد.

از نظر شیوه گزارشده در شروع گزارش  
تاریخ محل (کرج) و صفت (ودر) -  
پاراگراف اول تعداد نسبی شکل تجمع  
وضعیت و علت تجمع، تکلی مختصرا مسا  
کا مل آورده شده است این امر خواننده  
گزارش را بخوبی در محیط قرار میدهد و  
اورای می کند که از همان ابتدای  
موقعیت افراد صحبت کننده و محور سخنان  
آنان آشنا شود البته ضروری بود که حتی  
الامکان وضعیت طبقاتی جمع (دروغ غالب)  
محل یا منطقه ای که صف در آن قرار دارد  
وضعیت سنی افراد و همچنین جنسیت آنان  
بشکلی نسبی در همان پاراگراف اول آورده  
شود مثلا ذکر شود "این منطقه ای از کرج  
است که عموما "گراگرتشین" می باشد  
"غالب افراد زن خانه دار بودند و"  
همچنین "اکثر کسانی که در صف بودند"  
زنان میانسال خانه دار بودند "تکمه"

برجسته گزارش توجه رفیق گزارشگر  
یا نه! طبقاتی افراد و تقریبا "حالات بیان  
آنهاست "زنی زحمتکش که دستهای پینه  
بسته داشت "اولا" یا یگا به طبقاتی زن را  
مشخص کرده، دوما "علت تشخیص خود را  
خیلی کوتاه بیان داشته است یا "مرد"  
چون کارگری... یا "مردی یا تهرانی  
(احتمالا" مفازدها (بود)... که در اینجا  
از آنجا که به تشخیص خود اطمینان  
نداشته، با واژه احتمالا" و در پراسترا  
ذکر کرده است، این خط در تمام گزارش به  
چشم می خورد و حاکی از بیخوردی دقیق است  
رفیق در گزارش اصلا "خاشه روی نگرده است و  
در عین حال در میان گزارش خودش اظهار  
نظر ننموده، البته این امر مثبتی است  
مسئله نیست که گزارشگر در انتهای گزارش  
نظر خود را منعکس کند بخصوص که رفیق در  
طول یک هفته چند گزارش ارسال داشته  
و میتوانست با توجه به کل گزارشات خود  
در انتهای آخرین آن نظر خود را نیز منعکس  
نماید.

"زن خانه دار دیگری... با عصبانیت  
گفت "با پر خاش و عصبانیت هر کس چیزی  
میگفت" "مردم ما بوس یکی یکی با غرور  
رفتند" موردیست که حالات افراد مورد توجه  
قرار گرفته و به بیان خشک و بیگانه یکی  
خانه دار میگفت "قناعت نشده است اما این  
مورد در تمام گزارش عده میت ندارد و به  
شکل کامل و دقیق رعایت نشده است نکته  
... این گزارش آرزوی محبت های  
مردم بصورت نقل قول مستقیم نیست  
و عصبانیت آن الهام شده است  
بسیار تا که در ریم اما سنی از رفیق

ما با رها بر اهمیت امر گزارشده و  
نقش آن در تعیین تاکتیکها و تحلیلها  
سازمانی پای فشرده ایم و بر توجه بیش  
از پیش رفقا به این امر تا نگردد ایم  
گفتم که رفقای گرا رگر با بد جزئیاتی  
را که یک فرد عادی قادر به دیدن آن نیست  
عزبان کنند و در گزارشات خود منعکس  
نمایند رفتی گزارشگر با بد جزئیاتی  
به استقبال رو به رادها پرونده در شیوه  
نگارش گزارش وجه در انعکاس اهمیت  
واقعی شده ها از سطح به عمق توجه کنند  
و تمام این جزئیات را بصورتی پای ثابت  
نمایند در همین راستا که از این پس  
هر چند مدت یک بار گزارشی را بر می گزینیم  
و با توجه به رهنمودهای داده شده در مثال  
ارگان سازمانی " (بخصوص در شماره های  
۱۲۷ و ۱۲۸ نشریه کار) مورد نقد و بررسی قرار  
میدهم از تمام رفقا نیز میخواهیم  
چنانچه پیشنهادی در جهت ارتقا سیستم  
گزارشده در تشکیلات دارند یا نواقصی  
کارگزاران مشاهده میکنند کتبیا "به تحریریه  
کار ارسال دارند.

در اینجا گزارشی را که یکی از رفقا از  
کرج برای ما ارسال داشته عینا "منعکس  
میکنیم:  
کرج - یکشنبه ششم آذرماه سه بعد از  
ظهر صفت  
صفی نسبتا "طولانی بود، با وجودیکه  
عده ای با ظرفیهای نفت از ساعت دوازده  
ایستاده بودند، اما از نعت فروش خیری  
نبود، عده ای می گفتند نعت نیست ساعت  
نه شب گذشته نعت تمام شده ولی شماره  
دادند که امروز بیا نیم وقت بگیریم  
امروز هم که نیتا مدند.

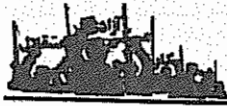
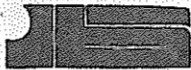
زنی زحمتکش که دستهای پینه بسته ای  
داشت می گفت "برای سی لیتر نفت دوروز  
است از خانه وزندگی اقتصادم بچه هایم  
را اول کرده ام و توی این صف ایستم  
چقدر ما ملت بدبخت هستیم زن خانه دار  
دیگری که سر و وضع نسبتا مرتبی داشت  
با عصبانیت گفت "این حاجی (منظور  
فروشنده نفت بود) نفت را بین قوم  
خوبی و دوستان و اعضاء شورا تقسیم میکند  
تقصیر خودمان است که بهمان چیزی  
نمی گزینیم و گردنمان را کج می کنیم!  
مردی با تهرانی "احتمالا مفازدها (بود)  
داستانی را از رئیس شورای محلی تعریف  
میکرد می گفت (من حاجی را می شناسم  
یکی از آن فرشیهای معروف زمان طاغوت  
است. زمان شاه خودش را در ستا خیز جا کرده  
بود و آن را دولابینا می فروخت و از این راه  
میلیونر شد، حالا خودش را به شورای محلی  
چنان نده تا شورت را حفظ کند" "بزر مرد"  
مدعی بود که خودش از او آن خریده و سرش  
کلاه رفته است، مرد جوان کارگری ادعا  
میکرد که از ساعت شش صبح که بیسترون  
آمده، تا ساعت سه نتوانسته حتی تا هسار  
بخورد زیرا به محض رسیدن بخانه محسور  
بوده است بیا بدد صرف بایستد، بعدا دانه  
میداد که "حرف بزنی می بردت کمیته که  
فدا انقلابی، آخرین سی لیتر نفت را در  
مدت یکماه چکار کنیم، معلوم هم نیست  
وضع کی درست میشود، حالا هم نمیگویند  
حنگه، هنگه... در همین کردار جوانان  
بلند قد و لاغری که چشمان لوج داشت و  
معتاد به نظر میرسید از درین آنها کسی  
که از دیروز شماره داشتند و اینها خشنه  
جلویش را گرفتند و دورش حلقه زدند، با بر  
... خاش و عصبانیت هر کسی چیزی میگفت  
چون معتاد ابتدا گفت که نعت  
رسیده است و بعد که خشم مردم را بدسو کند  
خورنده با صاحب شعبه نعت نسی... ندارد و  
فقط دیروز برایش کار میکرد، اما نسبتا  
میدانند که این حاجی به کمک شورای محلی

انجمنی بسیار رنگی نظرات مردم را خلاصه  
نمیکند و به جملاتی شبیه "خانم خانه داری  
بخدمتی شش میعاد"، "کارمندی در  
موزدا سوسه بده و پیراه میگفت" و...  
... می کنند که مسلما "بسیار ناگوار است  
اما از سوی دیگر نیز نباید صحبت های غیر  
محوری مردم را کاملا بی کس و کاست  
منعکس کرد، مثلا در سخنان دونفر در تاسی  
ممکن است مقدار بسیاری از سرمایه هوا  
برف آمدن و اینکه در همدان هوا سردتر  
است و... نیز وجود داشته باشد اما به  
انعکاس سخنانی که ذهنیات توده را  
در رابطه با مسائل اجتماعی بیان میکند  
می پردازیم. در همین گزارش بخشی از  
صحبت های مفازدها را که ارتباط سرمایه  
داران با رژیم میرساند بصورتی صورت  
نقل قول مستقیم آورده شده است اما بخشی  
دیگر که از مسائل فردی مفازدها در رابطه  
با خرید آن و... است خیلی خلاصه و کلی  
با نقل قول غیر مستقیم آورده شده است.  
در همین رابطه یکی از نقایص گزارش  
اینست که مخاطبین سخنان و همچنین شن  
صدا (بلندی و کوتاهی آوازه) مشخص نمی کند  
مثلا روشن نیست آیا خانم خانه دار یا  
کارگر جوان خطاب به یک نفر که در کنارشان  
است، آیا صدایشان بلند بوده و شما کسی  
اطرافیان می شنیده اند یا گویا و زمزمه  
گونه... ذکر این مسائل در بررسی  
شکل پرواز اعتراضات مردمی مؤثر  
دارد، کمی در گزارش انعکاس محسور  
نظرات افراد است در مقابل صحبت هر فرد  
با یادگارش های اطرافیان را نیز هر چند  
مختصرا منعکس نمود، مثلا "داستانی که  
مفازدها را حاجی تعریف می کند بطور حتم  
واکنش هایی را در کس که گوش میدادند  
برانگیخته است یا وقتی زن خانه دار...  
میگوید "تقصیر خودمان است که بهمان  
چیزی نمی گوئیم و گردنمان را کج می کنیم"  
با بد شخص شوخ طبعی او چه عکس العملی  
نشان داده اند، چه گفته اند یا تا بدست  
حرف او را تا شنیده اند... بررسی  
این حالات علاوه بر ذهنیت گوینده، ذهنیات  
اطرافیان را نیز مشخص میکند.

اما با زرتی کمی در گزارش که در وهله  
اول به چشم می خورد نقش فوق العاده منفعل  
رفیق گزارشگر در بحث است. با وجودیکه  
زمینه بسیار مساعدی برای جهت دادن بحثها  
و طرح ایده های انقلابی وجود می آید اما  
رفیق هیچ جا حرکتی نگرده است چنان است  
که اصلا "عصرا گاهی در جمع حضور ندارد  
سه خاش شورای فرمایشی شده که زمینه  
بسیار مساعدی برای طرح شورای انقلابیست  
در جایی مسئول توزیع میگوید حاجی  
بکمک شورای محلی اوساعت نه شب به بعد  
نعت ها را برافراد بخصوص می فروشد رفیق  
میتوانسته فوراً "حرکتی مناسب را شکل دهد  
و مردم را ترغیب کند که از ساعت ۹ به بعد  
مراقب باشند و سر بزنگه با خبر کردن دیگران  
مخ حاجی و شورای فرمایشی را بگیرند.  
با توجه به تراستی شدید مردم حتی امکان  
یکل دادن یک "عمل مستقیم" توده ای نیز  
وجود داشته است. رفیق با اشارة به شعار

روزی دیوار با طرف مناسبی گزارش را  
به آنها می رساند که ناشی از دقت رفیق است  
اما اگر توجه مردم نیز به این شعار جلب میشد  
نه تنها خود مساله ای افشاگرانه بود بلکه  
بحث را نیز دامن میزد.

نقد و بررسی این گزارش را با این امید  
به پایان میرسانیم که این نقد زمینه ای  
مردود جهت تهیه گزارشات کاملتر و دقیقتر  
تایوانیم گزارشات نمونه "بیشتر  
را از رفقا در شریه درج نمائیم.



### مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

از کارمندان دون پایه اداره است که ۲۸ سال دارم و بچه یکسال ونیمه خود را اجباراً به اداره آورده است. شدیداً از وضع موجود ناراضی است و با عصبانیت میگوید: پس از ایمن که سه ماه مرخصی بی حقوق گرفتم که به کارها بپردازم بعد آدم و دیدم بختنا مه شده که هر کسی مرخصی بی حقوق گرفته سرپرست خود ش نباشد، حالا من را که سه تا بچه دارم از جای قبلی که مهد کودک و شیرخوارگاه داشت برتوم کردند جای دیگر یکی دیگر از کارمندان میگوید "تا زه هومن مهد کودک کارها هم بهزیستی شهریه شان را زایا نکرده، خانم ولی که دیگری بغض گرفته میگوید "این طرحها زهم به نفع بلا شهری هاست و با زه فرماست کوضع خوبی ندارم و یک عالم بچه دارم خانم ۳۰، ۳۵، ۳۸ ساله که در اتاق بفسلی کار میکنند و در ایستاده است میگوید: "با این بختنا مه ها هوش برای بیرون کردن زنهار از اداره است، همه اینکارها - شون فیلمه، بهیانه است تا ما را خانه نشین کنند. مستخدم که در حال خارج شدن از اتاق است میگوید "اینها تسوی صندوق پول ندارند به این وسیله میخواهند خرج خودشان را در بیاورند، فروش به ما بدبختها میرسد، خانم ولی با حالتی - نا امیدانه میگوید "چیکار کنیم و صدای محکم خانم ۳۵، ۴۰ ساله در اتاق می پیچد که "کورخواننده اندا اگره ۱۰۰ تومان هضم باشم میدهم ولی نمیگذارم مهد کودک را ببینند تا زه اگر هم بزرور ببینند پول میگذازم روی هموا زیک نفر میخواهم که منزل یکی از ما ها بچه ایمن را نگهداری کنند، چون اگر عقب بشینیم بدبخت می شویم. حداقل اینجا دور هم هستیم دسته جمعی میتوانیم یک کاری بکنیم، اما رفتن تو خا یعنی دست تنها ماندن. بهر قیمتی شده با دیدما نیم"

از صبح شایعه کسر ۳۳٪ از حقوق العاده شغل حقوقی که در حقیقت مقدار زیادی از حقوق است که برای فریب کارمندان به این صورت پرداخت میشود، بر سر زبانهها بود. ابتدا مساله که ملا" با نا باری بیگان میشد، یکی از مردان کارمند که ۳۵ سال سن و ۷ سال سابقه کار در اداری را احتسبی تمام توی راهرو قدم میزد پس از مدتی وارد اتاق شد و با چهره غم زده ای در گوشه ای نشست. کارمند دیگری که ۲۸ ساله است و خرج پدر و مادرش بردوش اوست با عصبانیت میگفت "شنیدید چی شده، چند تن از - کارمندان با کجنگاری گفتند "چی شده" و او هم با صدای بلند جریان کسرفوق العاده شغل را گفت. زن ۳۴ ساله ای با خشم گفت "معلوم نیست کی نفس کشیدن را از ما بگیرند. بخدا آنقدر از اینها متنفرم که وقتی شب شوهرم از خبار تلویزیون را میبیند اگر حتی یک لحظه ساکت باشم و فحش - ندهم پسرم میگوید "ما مان پس چرا ساکتی ولی چه میشود کرد؟ حرف بزنی دخلت امده زندگی را بهم زهر ما کردند. همان کارمند جوانتر که دارای احساسات مذهبی است گفت "تا با اینها اول بختا وین مختلف بین ما جدائی می اندازند و بعد چینی -

تصمیماتی میگیرند که ما نتوانیم اتحاد داشته باشیم یکی از خانمها با صدا بلند صحبت او را قطع کرد که "چی انقدر شلوغی کردید آنوقت که اضا فیه میگردند آنقدر حرف میزدید که حالا دو قالی را انداختند کارمندان جوانی آهی کشید و گفت "نفست از جای گرم در میآید، من و شوهرم درونفتری از صبح جون میکنیم تا زه هیجوقت رنگ میوه را نمی بینیم حالا ۱۶۰۰ تومان از حقوقمان کم بشود چیکار کنیم؟ از کجا بیایم و بیایم، چیکار میشد کرد، به کی بگوئیم کسی که گوش نمیدهد "همین موقع مستخدم که مرد میان سالی است وارد شد و گفت "چه خاکی بر سرمان بریزیم، عظم دیده به جایی قد نمیده، بیایند یک دفعه بکشند ما و راحتمان کنند. چون ما که از این جوانان که گرگرا عدا می شوند عزیز تر نیست" و کارمندان که از اقلیت های مذهبی است ادا مداد "اگر حرف بزنییم بختنا مه ضد انقلاب و ضد جمهوری اسلامی پدرمان را در میآوردند و عدا می کنند چیکار از دستمان بر میآید "گفتم "چرا فکر میکنی نباید حرف زد، اگر همه با هم حرف بزنییم چیکارمان میتوانند بکنند" یکی دیگر از آقایان که او هم دیپلمه است وظا هرا "وضع از بقیه بهتر است گفت "اگر کسی اعتراض کرد و بیرونش کردند آیا کسی هست که دهنش را - بگیرند آیا اینکه یکنفر با پیدا شود و بقیه هم با بزنند "خانم ۳۲ ساله محتاطانه گفت "نه با همه جا میزنند، بی خود آدم نباید خودش را خراب کند" و خانم دیگری با لحن عصبانی حرفش را قطع کرد که "از کجا میدانی، امتحان که نکردی" با خروج چند نفر بحث جمعی قطع میشود، خطاب به - کارمندی که احتیاط را توصیه میکرد - میگویم "اگر بخوا هیما اعتراض کنیم اول - همه با هم مشورت می کنیم، تصمیم میگیریم بعدا اعتراض می کنیم. اولیا تبسم کوچکی گفت "بالخره با دیدهمین کار را بکنیم چاره دیگری نیست."

کارمندان دون پایه دولت چون دیگر اقا خا خلق، بزرگترین فشارها قرار دارند. حقوقی که در مقابل رشد سریع قیمت - های تمامی اجناس و ما یحتاج روزانه به بیانه های مختلف کاهش میابد، اخراج و در واقع عدم وجود امنیت شغلی در شرایط کنونی مشکل عمده ای است که با عصبانیت می شود کارمندان علی رغم تنگنای رزیم محتاطانه عمل کنند، عدم مشکل و آگاهی های انقلابی این مساله را تشدید میکنند و باعث میشود تا کارمندان از ترس قطع درآمد و در نتیجه اختلال زندگی شان دست به اعتراض نزنند. با بد تبلیغ حول تشکیل صندوق - بیکاری را سا زمان داده، در جهت ایجاد آن وسعا "گوشش نمود، صندوق بیکاری نسبه تنها نیازهای خانواده دستگیر شدگان و اخراجیها را تا مین میکنند و پشتوانه ای - است جهت مبارزات کارمندان بلکه تشکلی که حول آن بوجود میاید منطقه "تشکل های انقلابی و کمیته های عصاب کارمندان را در خود دارد. صندوق بیکاری با ساختی است برای این سؤال که "اگر کسی اعتراض - کرد، بیرونش کردند آیا کسی هست که دهنش را بگیرند..."

### ابتدائی بی از حیایان

بقیه از صفحه ۱۳

مسئله که توده های این مذاهب نسبت به رژیم توهمی ندارند این نتیجه گرفت که آماجگی کامل جهت مبارزه انقلابی با رژیم دارند. این تحلیل غلط، ما را بسه چپ روی و آراشه تا تشکیکاتی دچار می کند که تنها منزوی شدن را در پی دارد. باید با صبر تمام لزوم مبارزه انقلابی و ارتباط تنگاتنگ این مبارزه با احقاق حقوق اقلیتها را توضیح داد و توده ها را در تبارب عملی و روزمره به آن واقف نمود.

مهمترین مساله را میتوان در لزوم وحدت و شکل و انجام حرکات عملی در این جهت خلاصه کرد. در دو وجه این مساله را - بررسی می کنیم:

۱- با ید کوشید و وسیعترین توده های زحمتکش اقلیتها ی مذهبی را در تشکلهای گوناگون سازمان داد. در این رابطه اشکال متنوعی را میتوان در خدمت گرفت از اشکال ابتدائی چون کلاسهای خیاطی و فوق درسی، تنیک نیک، کوه، ورزش و... تا اشکالی چون کارنونه ها، انجمن های فرهنگی، سازمانهای جوانان و... مهم اینست که نیروهای انقلابی دریا بند با ید در تشکلهای موجوده ای موجوده ای نیست نمود و با ید در جهت ایجاد تشکلهای انقلابی حرکت کرد و کارآمد داشت. اگر فلان انجمن نشریه ای دارد که با تیراژی مناسب در سطح مردم بخش میشود با ید در آن فعالیت کرد، با ید از خدمت اهداف انقلابی در آورد. اگر فلان سازمان جوانان بر تانه های کوه یا گردش ترتیب میدهد - که اکنون تماما "بورژواشی و کلاسیک" سیاسی است - با ید در آن شرکت کرد و - بحث های خود را به پیش برد، اگر جوانان و مردم آنجا هستند ما هم میرویم.

۲- مساله اینکه بخصوص در شرایط کنونی اهمیت بسیاری یافته است، ایجاد دودستی مستحکم در بین تمامی اقلیتها ی مذهبی است با ید حرکات مشترک بین این نیروها را سازمان داد. تا آنجا که ما اطلاع داریم چنین حرکتی مدتی پیش در گروهی تحت نام "گروه مشترک اقلیتها ی مذهبی ...." نطقه بست اما بعلمت عدم پیگیری و توجه کافی نیروهای انقلابی و همچنین اعمال سیاستهای فرصت طلبانه از سوی برخی نیروها تداوم نیافت. با ید با رد دیگر چنین تشکلی را که پیوند اقلیتها ی مذهبی را سازمان میدهد در جهت ایجاد وسیعترین - حرکات و اعتراضات مشترک در میان - آنهاست، سازمان داد.

نیروهای انقلابی موظفند در میان - اقلیتها ی مذهبی با یکدیگر تماس گرفته و در این جهت حرکت خود را متمرکز نمایند، اولین گامها را میتوان بصورت اعلام پشتیبانی از حرکات اعتراضی موجود سازمان داد. با ید برای تمامی توده ها روشن ساخت که درد، دردی مشترک است و دشمن نیز - دشمنی مشترک.

در راه پیشبرد این اهداف با ید شیوه - های گوناگون تبلیغی را در رابطه با توده ها بکار گرفت. نشریات و دیدگاهها استفاده را از تریبون ها، نشریات، مجامع و اجتماعات سنتی و... کرده و در عین حال با ید اشکال دیگر تبلیغی چون اعلامیه های -

بقیه در صفحه ۱۶

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

کمکهای مالی دریافت شده

Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'الف' (11975), 'ب' (10122), 'ج' (20099), etc.

Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'مدرسه نوشیروان' (12100), 'مدرسه آفتاب' (1400), 'جعفر دلیر' (3000), etc.

Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'اکبر' (2692), 'نشریه' (2100), 'علیرضا' (1125), etc.

Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'کمک به صندوق سیگار' (10000), 'با چسب' (400), 'با چسب' (500), etc.

Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'رفقای کرمانشاه' (5000), 'با پوشش از رفقا باغاولین' (1000), 'تا خیر در جا پ کدها' (8000), etc.

Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'کرمانشاه دبیرستان حکمت' (8000), 'الف' (628), 'مینا رفیعی' (500), etc.

Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'اعظمی لرستان' (1000), 'اعظمی لرستان' (8000), 'ن سعید' (10000), etc.

Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'رفقای میان دو آب' (3000), 'آراز' (1000), 'ایوب ملکی' (1100), etc.

ابعاد نویسی از حسابات

بقیه از صفحه ۱۵  
توضیحی را بکار گرفت. چنین اعلامیه‌ها...  
که بسیار کمی میتوان از سوی نیروهای...  
انقلابی تهیه و تکثیر کرد، میتوان دیراجتی...  
درمجا مع و تشکلهای توده‌ای و اگر نه از...  
طریق آدرسهای زحمتکشان در میان آنان...  
توزیع شود. این اعلامیه‌ها در صورتیکه...  
با زبان ویژه هر یک از اقلیتهای مذهبی...  
با شد در عین حال که از بر دوسعت...  
با خود را راست از نظر امنیتی نیز بسیار...  
ساده تر توزیع میگردد.

نیروهای انقلابی با یاد از این طریقی...  
هدف خود را ایجاد نشریه‌ای مشترک بین...  
تمام اقلیتهای مذهبی قرار دهند و در این...  
راه بکوشند.

با ید به پیش رفت، با ید کوشید، با ید...  
تما می توان را در خدمت انقلاب قرار داد...  
با ید زحمتکشان، رنجبرایا و توده‌های...  
ستم‌دیده‌ای را که در زیر چکمه‌های سرنیزه...  
های دژ خیمنان جمهوری اسلامی سخت‌ترین...  
فشارها را متحمل میشوند بجز حرکت در آورد...  
حرکتی هدفمند، متشکل و پر قدرت، با ید...  
جویبا زحمتکشان، تا که تنها به این خاطر...  
که مذهب حکام را نداشتی مضاعف را...  
متحمل میشوند، به رو بپوشش انقلاب...  
پیوند داد، با ید راه‌های بشریت، راه...  
سرخ انقلاب راهموار و هموار ترا ساخت.



Table with columns for names, amounts, and categories. Includes entries like 'مجا هدیا را حمدی' (2579), 'مجا هد صحبت علی آقا' (1000), 'مجا هد بهرا مبه‌زلی' (2044), etc.





کنگره با استماع گزارش کدهم، م، س که بعداً با توضیحات فرد، فردا عضوهای کدهم، به استیالات طرح شده از طرف شرکت کنندگان بطور تفسیری تکمیل گردید. در بررسی خود از عملکرد یکسال ونیمه سازمان (در زمینه های مختلف) به نتایج زیر رسید:

### قطعه نامه درباره گزارش کمیته مرکزی موقت سازمان

از خود (دسیپلین و...) بر فعالیست سازمان بطور آگاهانه و سیستماتیک ناظر نبوده است.

۴- رهبری سازمان در کلیه زمینه ها مثل رانتها رفع و رجوع کرده است و بویژه در برخورد با بحران سازمان و جنبش، برخورد درستی نگرده است.

۵- گزارشات سکتاریستی در رهبری سازمان عمل کرده است و بویژه خود را در عدم احساس مسئولیت در قبال وحدت جنبش کمونیستی نشان داده است.

۶- رابطه زنده ای بین رهبری وکل سازمان با توده ها، وجود نداشته است و از اینجهت از انرژی ها و استعداد های رفقای تشکیلات به نحو شایسته ای استفاده نشده و تجربه های سازمان به آنها منتقل نگردیده است.

۷- به امر آموزش و تربیت کارها بی توجهی کامل شده است.

۸- "تدوین برنامه" (مطرحه در کارنامه ۸۷) به مثابه اقدامی بلند پروازانه و غیر واقع بینانه، در دستور کار سازمان قرار گرفت.

کنگره با آگاهی به این واقعیت که بخش مهمی از اشکالات فوق بدلیل نداشتن ضوابط و مناسبات معین و سازمان دادن تشکیلاتی (اساساً موهوم) بروز کرده است ایمان راسخ دارد که برپا به دستاوردهای عظیم و رهنمون های گرانبهای این مجمع عالی، سازمان اشتباهات و خطاهای خویش را تصحیح و در جهت اهداف اصولی و انقلابی خود، گامهای بلندی را به پیش بر خواهد داشت.

و با عطف توجه به بندهای این قطعه نامه اشعار میآید: **سازمان (علیرغم اشتباهات و ضعفهایی که در انجام وظایف خویش داشته است) برپایه تلاش انقلابی - کارها و هوا داران خویش تاکنون توانسته است نام فدائی را زنده و پرچم پرافتخار آنرا بیجا به جریانی سازشناپدیر موهوم و وقتا در به آرمغان کارگران و زحمتکشان برافراشته نگهدارد.**

ج- درباره نقائص و اشتباهات سازمان:

کنگره در زمینه نقائص کاروا اشتباهات سازمان و بویژه کار در رهبری آن به نتایج زیر رسید:

۱- سازمان به دلیل فقدان هدف و نقشه ای معین برای مدخله در مبارزه طبقاتی، دنباله رو حوادث بوده - رشدی رویه کرده و همچنین انرژی و نیروهای بسیاری را هزین کرده است. در این رابطه رهبری سازمان تلاش مسئولانه لازم را برای رفع این نقائص اساسی، بکار نبرده است.

۲- سازمان به مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی، به مثابه امری تمفیه کننده و عاملی وحدت بخش، بیگانه نداد و آنرا بفراموشی سپرده است.

۳- اصول اصلی کار تشکیلاتی یعنی - سازمان را لیسیمد مکرراتیک - انتقاد و انتقاد

کنگره در بررسی خود از اشعاب در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به این نتیجه رسید که این اشعاب علیرغم اینکه برای دستیابی به "ثغوری" انقلاب ایران و برای تأمین وحدت اصولی و انسجام "چپ انقلابی" شکل گرفت و در این راستا با طرح شعارها و اهدافی اصولی (که مبتنی بر ضرورت های حیاتی جنبش بود) میرفت که در فرامیسم در جنبش کارگری ایران ایزوله نماید، اما بدلیل فقدان درکی روشن از این ضرورت ها و نقش تاریخی خویش، نتوانست در این مدت - کارهای مؤثری را در راستای وحدت و انسجام چپ و آنرا در فرامیسم، به پیش بردارد، از همین رو آنرا اقدامی زودرس تلقی مینماید.

ب- درباره فعالیت های مثبت سازمان:

۱- انتشار منظم روزنامه کار  
۲- مدخله انقلابی سازمان در جنبش مقاومت خلق کرد  
۳- تدوین نقطه نظر برای درباره استراتژی (افواغ کنونی و وظایف کمونیستیها و...)  
۴- حفظ و تأمین امکانات ویژه (ارتقای چاپ و غیره)  
کنگره با در نظر گرفتن این واقعیات

### ارزیابی ذهنیت حاکم بر توده ها

است. اگر حرکت خود بخودی است خود به خودی نیز پایان می یابد، برنامه مندرارد و پیگیری و تدابیر نمی یابد. رقیبسی از جنوب مینویسد "تجه در برخورد ها مشهود است کمبود نیروی پیشرو در جنبش و ضعف سازماندهی منظم و منسجم نیروهای بومی با لایح در جنبش دهقانی است. رقیبی از شمال مینویسد "اعتمادات در رود سربسه علت فقدان رهبری و نبود برنامه منسجمه موفقیت نرسید" از کارخانه ای گزارش میشود "موج آگاهی روز افزون کارگران به مسائل جامعه تقریباً یک نوع مبارزه خود بخودی بین کارگران آنهاست بطور عدم حضور عناصر فعال بوجود آمده است" و در گزارش دیگری آمده "در این میان جای تبلیغات وسیع و دامنه دار سیاسی از جانب نیروی چپ بسیار خالیست هر چند این ضعف تا بدی شکل ریشه ای بررسی شود. و تا حدودی نیز در کنگره - سازمانی بررسی شده است - اما در این

میان روی سخن ما در چهارچوب برخورد با گزارشات با رفقای هوادار است. رفقا چه در بحث و چه در زمان زدن به اعتراضات و ابتکارا توده ای از مردم عقب هستند. در اکثر گزارشات دیده میشود که نقش خود را عمدتاً در چهارچوب افشاکاری رژیم و تا شنیدند نسته های خود مردم ایفا میکنند و یا تا سف با ترسکوت می نمایند و آنجا که توده ها دست به عمل میزنند دنبال آنها روان میشوند. طرح آلترنا تیفو های انقلابی و ارتقاء مبارزات توده ای و سرعت و سودا دن به آنها به نفع دیده میشود. متأسفانه تا بدیگوئیم رفقا به رهنمود های سازمان آنگونه که باید و شایسته توجه نداشته اند و این را گزارشات ما بشکل با رزی نشان میدهد، مصرا نه از رفقا میخواهیم رهنمود های ارگان را در چند ماه اخیر - مجدداً "عمیقاً" مورد بررسی قرار دهند و بخصوص به شیوه برخورد مقالات تبلیغی سازمان که روز رهنمود های ارائه شده در رابطه با تبلیغ توجه کنند و آنها را در بحث های سیاسی بکار گیرند. در اینجا بشکل مختصر با توجه

**کارگران آگاه و انقلابی!**  
در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی از اضا کردن دست هر دکارگران که کمتر از قیمت یک کیلو گوشت است، خودداری میکند برای فر کارگران و عده واه مسکن میدهد.

تراکت شماره ۱۷ - ۶۰/۹/۴  
کارگران پیشرو - کرمانشاه

**کارگران مبارز و انقلابی!**  
شورا قدرتی است که از منافع شهادت مقابل استثمارگران و رژیم حاکم سرمایه داری دفاع میکند. رژیمی که در سه سال حکومت خود شورا های واقعی را سرکوب و منحل کرده است چگونه میتواند طرفدار شورا های کارگری باشد؟!

تراکت شماره ۱۵ - ۶۰/۹/۴  
کارگران پیشرو - کرمانشاه

### اخبار روستائی

کامیابان - ۶۰/۱۰/۱: سه پاسدار در دشتهای اطراف آبادی نوربربرساز در دو کیلومتری کامیاران یک جویدار را که جهت خریدگاو و گوسفند... قصد رفتن به روستای اطراف را داشته است گرفته و پس از زندگ کاری مفصل تمام سرمایه به او اوراقه حدود ۱۵۰۰۰ تومان بوده از او گرفته اند و رهش کرده اند.

پارس آباد دقان - نیمه های آذر - مدیر اداره باغات میوه کشت و صنعت با علی رفقا فرج ساک سا بقا... در این جا دوازده تنه بومی را که در این جا کارگران شرکت با لافزها آنها م اختلاص چهارصد هزار تومان بول نقدویا قرار ۵۰۰ هزار تومان دستگیر شده و روانه زندان مشکین شهر شد. کارگران شرکت کشت و صنعت و بخصوص رحمتکشان اداره موربا غلات میوه دستگیر و این مزدورمکشی رژیم را در باغ اداره حین گرفته و در این حین هر یک از کارگران از میان لگربها و در میهای این مدیر و معاون وزیر برده - بومی داشتند و با غارت میوه ها و خشک شدن درختان و اخراج کارگران مبارز و... و از دروازه مکتان آنها محبت می کردند.

دشتستان - در پی باز دیده مشکینی در دشتستان به پارس نیز آمده بود. در این باره کارگران کشت و صنعت از ظلم و ستمی که در این جا بر کارگران کارکنان کشت و صنعت می کردند به قول یکی از کارگران: «گوش مسئولین جبار و کبر و گوشه نشینی و دروغ و رشوه و رشوه خوری و رشوه خوری و رشوه خوری» و کارگران کشت و صنعت و با فشاری کارگران چند تنه ای وقت گرفته بود تا در تمام منطقه عدالت کند و با دست به تهنیتی از مشکلات کارگران و مسائلی که با آن درگیرند خبردارند.

در دشتستان جمعی از تار و نه نور و بجران ۱۵۰ میوه در دشتستان گری در مورد حقوقی های ۱۵۰ هزار تالی الی ۲۰۰ هزار تومان تهنیتی مسئولین بر دانه و در مقابل از حقوق نا جبر ۱۸۰۰۰ تومانی کارگران به شکایت پرداخت و در قسمت دیگری از سخنان خود به هجوم سرچشمه مسئولین شرکت از شهرت به بیگانه شدن از رابطه حاکم بر شرکت از مردم به بیگانه شدن از منطقه، اخراج - زندان و غیره کارگران و کارکنان شرکت و در عوض استخدام عده نفر از مزدوران - رژیم از بی حساب و کتاب بودن مخارج شرکت و جرایم به حاکم مملکت از اخراج و بربط کارگران به خاطر مستی میوه، از ما مورت رفس هفت نفری را فروش ۱۵ - رای گوسفند به اردبیل، از بی باطن شدن به نتیجه های شرکت از تهدید کارگران به توطئه انحلال شرکت کشت و صنعت علی رغم خواست کارگران، طغیاری از تشکیک سل شورا های کارگران، حیث و میل بودجه های کلان در کار برداشتن، انحلال شرکت تعاونی از تاسیس فرودگاه مستقل با بودجه کلان به منظور جابجایی از دانه و کوه تا کردن دست چند نفر تهنیتی گیرنده و در نهایت - تکرار زیادهای طاقت و ارسال چندین کامیون محموله از بهترین میوه ها به آبات عظام و... بر دقان - کارگران - متحدان تمامی سخنان نماینده خود را تا شید می کردند. کارگران تا تکبیرشان در تاسیس سخنان نماینده خود فضای سالن شوکر کشت و صنعت را به لرزه در آورده - بودند تا حاکم چند نفر از کارگران به دست یا خواستند تا هر یک از ظلم و تعدی که در حین آن روا میشود قریباً دسرا و زندگانه پاسداران سرمایه مانع شدند تا اینکه به لایحه مشکینی پشت میگردن قرار گرفت و

برای فرار از باسگوشی به خواست کارگران گفت: من مسئول مملکتی نیستم! ولی متعهد شد سخنان آنان را به گوش مسئولین مملکتی برسانم! در حالیکه کارگران بیچ پیکان اعتراض - خود را ابراز می داشتند، مشکینی محنه را ترک کرد.

کرمانشاه - ۶۰/۹/۲۴: بعد از نیمه بهمن ماه خوش نشینان روستای "فوزیوند" روستائی نزدیک بیستون در کرمانشاه ۲۵ هکتار از زمین های مالک روستا - شاه شاه دولتشاهی را مصادره انقلابی کرد و زمینها را بین خود تقسیم نمودند و بهر نفرین یک تا دو هکتار میرسد. - گناباد - تا این زمان مال زمین ها را کشت می نمودند، در پی این سال شیخ علی نغفی، "گاندید مورد تا شیدا اکثریتها" به روستای مزبور رفته و به خوش نشینان میگوید زمینهای این ده را غیر قانونی! مصادره کردهاید و باید زمینها را به "میوه علی عزیز" مبادا شما لک پس بدهید و گرنه زندانی میشوید، خوش نشینان به علت عدم گاهی کافی ترسیده و زمینها را پس میدهند و یک نفر مقتدر را به دست میزنند و او را به دکانها انقلاب کرمانشاه می آورند و مصادره کرده و زندانی میکنند تا لایحه حاضر میشود زمینها را پس بدهد و آزاد بشود.

بخت گواره - قاسم خان حق - معروف به قاسم خان چاوی از قزوین الهی معروف با حاکمیت در این باره فداکاری سرما به و به زور اسلحه و تهنیتی را که روستائیانی زحمتکش پس از انقلاب مصادره و کشت نموده بودند از زمینها را "قاسم خان به جهاد" می رفته و میگوید: "با مخارج خودم زمینها را خواهم کاشت و محصول را با جهاد تقسیم می کنم." "جهاد به همراه سیاه روی کتک نموده با زور اسلحه زمینها را از دست کارگران و زحمتکش بیرون آورد.

۱۲ نفر از کارگران و زحمتکش در شهر مشکینشهر و در زندان بسر میبرند.

### "شورای انتصابی" خشدار رودبار قصران، برای اهالی روستای لالان

پس از پیروزی قیام بهمن ماه ۵۷، و با گسترش و شکل گیری شوراها و فرهنگ شورائی در برابر ایران، اهالی زحمتکش روستائی لالان (واقع در ۵۰ کیلومتری شمال تهران) نیز در تاسیس "شورای انتصابی" در روستای خود متاسفانه به علت توهمی که نسبت به رژیم و عناصر آن داشتند، نمایندگان انتصابی نمودند که ترکیبی از عناصر سازشکار و رومرتج بود، اما دیری نپایید که این شورا در مقابل اراده و خواست اهالی روستا قرار گرفت و مشروعیت خود را همراه رژیم جمهوری اسلامی از دست داد. و حتی کار بجائی رسید که شورا، تحت فشار اغلبی روستا مجبور به استعفا شد. بعد از گذشت زمانی چند و بدین شکل - گیری فرمایشی انجمن اسلامی در روستا (که البته از همان ابتدای شکل گیری اش مورد نفرت و انزجار اکثریت اهالی بوده و هست) بخشدار رومرتج که گمان میبرد با تشکیل انجمن اسلامی، شورائی فرمایشی بر سر کار میآورد، به انجمن ابلاغ نمود که شورائی در روستا تشکیل دهند و در ضمن ملاحظاتی نمایندگان آن را خود انجمن - تشکیل دادند و بعد از آن شورائی را تشکیل دادند و روستا که پیشاپیش -

نمایندگان خود را انتخاب کرده بودند با آگاهی یافتن از هدف انجمن اسلامی از این انتخابات و نوع پذیرش نمایندگان، انتخابات را تحریم کردند (لازم به توضیح است که انجمن ملاحظاتی هیچکدام نمایندگان منتخب اهالی روستا را تا شید نگردیده بود) با این تحریم، عملاً "انتخابات صورت نگرفت و جریان تشکیل شورا بدست فراموشی سپرده شد، تا اینکه در آذرماه اهالی روستا با کمال تعجب متوجه شدند که بنا به دستور بخشدار شورائی از عناصر مورد تاسیس انجمن اسلامی تشکیل شده بدون رای گیری و تنها با تاسید بخشدار و انجمن اسلامی به عنوان شورائی اسلامی روستای لالان معرفی شد! در پی این اعمال اراده امت همیشه در محله! اهالی روستا نه تنها شورائی انتصابی جناب بخشدار را به رسمیت نشناختند، بلکه با طرد و منزوی کردن آن، سرنوشتی را همچون سرنوشت همزادش انجمن اسلامی، برایش رقم زدند.

### اخبار کردستان

قراری دهندگی از پاسداران که با لهجه اصغری صحبت میکرد بعد از بازدید یک پیرومرد را که لباس مندرسی به تن داشت - با شین آورده و بعد از گذشت ساک او را نگاه داشته با شین دستور حرکت میدهد. یکی از جاشهای مزدور مسلمان کرد که در آن مقربود، به پاسدار اعتراض کرده که "توجرا فقط کردها را از ما شین با شین می آوری؟ چرا مردم را ازیت می کنی؟ اگر راست می گوئی ما شین های آخرین سیستم را با ز دیدگن" مشاخره شدیدی بین آنها در می گیری و بالاخره با سدا رمیگویی: ما نمی گذاریم شما با ز دید کنید و اگر چه گولم های و دمکرات هست رد می کنید. این برخورد نشان میدهد که رژیم حتی به مزدوران خود اعتماد نداشته و این عدم اعتمادی از رشد روز افزون مبارزات توده ها و عدم توانائی رژیم در بر خوردن با آن می باشد و در نتیجه حقا نه تصور می کنند علت اینکه نمی توانند نیروهای انقلابی را به زانو در آورند خدایت مزدوران خودشان است.

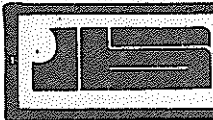
### ارزیابی ذهنیت حاکم پر...

بقیه از صفحه ۱۷  
شدید میدان عمل کرد محدودی دارد و بقول معروف داستش برای پیشبرد کار با ز نیست برای رفع این مشکل باید از سوتی در جهت راه حل اساسی آن یعنی سازماندهی "کمیته های مخفی" مقاومت گام برداشت (ما در این مورد مفصلاً سخن خواهیم گفت) و از سوی دیگر بطور مقدماتی و فوری از "دست نویس" استفاده کرده میتوان با سرعت کافی دستنویس های بسیار کوچکی در مورد مسأله مورد اعتراض، با رهنمود های سازمان یا جمعیتی خواهستهای معترضین و یا ارائه شیوه های پیشبرد مبارزه و... تهیه و توزیع کرد، حتی - بخش ۲ یا ۳ عدد از این دستنویس ها - در شرایطی که دیده شده توده ها سرعت آنرا بین خود می چرخانند. کاملاً مؤثر است.

رقصا! انقلاب به سرعت روبه گسترش می نهد و از روی فوق العاده ای - برای سازمان دهی خود طلب می کند. جمع بندی گزارشات آبان و آذر چشم انداز اعتلائی نوین را پیش روی ما گشوده است باید برای کوبیدن مهر خود، مهر پرولتاریا بر این جنبش تمام می توان مان را بگزار گیریم.

ادامه دارد

اسامی شهدای آرزومه



۶۲	فرشته صیفی	۶۲	گروه	۱	زهره نوذری
۶۳	سیمین هزبر	۶۳	مجا هدیسن	۲	وحیدگرچی زاده
۶۴	زهرا ایزدی یار	۶۴	"	۳	مهدی مهرا بیان
۶۵	حمید شراق	۶۵	"	۴	سیدابولقاسم رشیدا
۶۶	محمدحسین حسینی	۶۶	"	۵	غلامرضا بنیری زاده
۶۷	عبدالحمیدصفا ثی	۶۷	"	۶	عباسی رحب نیا
۶۸	شهرزاد وحیدی	۶۸	"	۷	مهدی نوریان
۶۹	علی کبر محمد رضا زاده	۶۹	"	۸/۲۸	
۷۰	کرمانی	۷۰	"	۸	محمد سلیمان سعید چرخ آب
۷۱	سیمین نوری نیک	۷۱	اعلام نشده	۹	دا ریوش دا ریوند
۷۲	هما یون خیاط	۷۲	"	۱۰	علی جعفری
۷۳	تا در خطبری	۷۳	"	۸/۲۷	بهشهر
۷۴	مصطفی مجد آبادی	۷۴	"	۱۱	با قمره ان
۷۵	محبوبه استوار	۷۵	"	۱۲	علی جعفری
۷۶	غلامرضا خضرا ثی دا صفا ثی	۷۶	"	۱۳	احمد کردنوکنده
۷۷	حسن قمصری نژاد	۷۷	مجا هدیسن	۱۴	نقی جهان شا هی
۷۸	احدا لله خا ذقی	۷۸	"	۱۵	علیرضا آهنگر محله
۷۹	نا هیدرودگرمی	۷۹	اعلام نشده	۱۶	حیدر مهدیان
۸۰	فرح بهرامیان	۸۰	مجا هدیسن	۱۷	علی جعفری
۸۱	مجید بیگی ها شم	۸۱	"	۸/۲۷	قزوین
۸۲	محسن نجم آبادی	۸۲	اعلام نشده	۱۸	محمد رضا شهریاری
۸۳	رضا شجاعی	۸۳	"	۱۹	نجم الدین رمفا ثی
۸۴	عباس مرادیا نژاد دا اعلام نشده	۸۴	دمکیسات	۲۰	مصطفی محمدی
۸۵	محسن زراعی	۸۵	"	۹/۲	بیهقان
۸۶	سید عباس ها شم زاده	۸۶	"	۲۱	منصور متحیری
۸۷	نا هید مقیمی	۸۷	مجا هدیسن	۲۲	عباس مرادی
۸۸	امیربا مردوئی	۸۸	"	۲۳	محمد رضا قنبری
۸۹	محمد رضا جلیسی	۸۹	"	۲۴	عبدا عزیزا شتی لوکی
۹۰	مهرداد ش	۹۰	"	۲۵	یوسف سعادت مقدم
۹۱	مهرداد	۹۱	"	۲۶	ابراهیم افشین
۹۲	خالدهنسا رکعبی	۹۲	"	۲۷	محمد اسماعیل عابدینزاده
۹۳	حمید کسرا ثیا ن	۹۳	قزوین	۲۸	نورالله گلایر
۹۴	حسن منزوی	۹۴	"	۲۹	علیرضا تقی زاده
۹۵	مجید قلجی	۹۵	"	۹/۲	بجنورد
۹۶	مجتبی ها شمیان	۹۶	مجا هدیسن	۳۰	سید مصطفی ا دام
۹۷	تقی عظیمی	۹۷	"	۳۱	اکبر صداقت
۹۸	رامین قنبری	۹۸	"	۳۲	کریم کریمی
۹۹	سیدضیا دشتی	۹۹	"	۳۳	قنبر آربین
۱۰۰	مرتضی صغرزاده	۱۰۰	"	۳۴	احمد صا دقی
۱۰۱	مجید حریری	۱۰۱	"	۳۵	فریدون یا قوت کار
۱۰۲	نوروز کریمی	۱۰۲	"	۳۶	جهانگیر با غجقی
۱۰۳	مهدی چانی	۱۰۳	"	۳۷	هادی خا نژاده
۱۰۴	یوسفیان	۱۰۴	"	۳۸	سعید کریمی
۱۰۵	محمد تقی مشهدیان	۱۰۵	"	۳۹	کاظم مخبری
۱۰۶	عادیحقا ثی	۱۰۶	"	۴۰	علی رادفر
۱۰۷	رحمت طال لب نژاد	۱۰۷	"	۹/۲	گرگان
۱۰۸	بهرز جلاص	۱۰۸	"	۴۱	عبدا لکریم زبیرا بی راه کاکر
۱۰۹	علی ملک محمودی	۱۰۹	"	۴۲	محمد حسن مؤمنی
۱۱۰	یدالله روشن	۱۱۰	"	۸/۲۹	گرگان
۱۱۱	سعید دا رابی	۱۱۱	"	۴۳	محمد صالح بدق پور
۱۱۲	صفا نا مداری همت	۱۱۲	"	۹/۱	گرگان
۱۱۳	محمد اسکندری	۱۱۳	"	۴۴	شیخ عباس حسینی
۱۱۴	محسن مرتضوی	۱۱۴	"	۴۵	علی احمد دوست
۱۱۵	علیرضا بهاری پور	۱۱۵	"	۹/۳	اهواز
۱۱۶	فرکوش	۱۱۶	"	۴۶	پرویز محمدزاده
۱۱۷	جلال پور جعفری آزاد	۱۱۷	"	۹/۸	تهران
۱۱۸	اسما عییل کاکر	۱۱۸	"	۴۷	حمید جلیلی ارومیه راه کاکر
۱۱۹	یدالله پور حسن	۱۱۹	"	۴۸	وحید ا عطا دی
۱۲۰	مجید مشیری	۱۲۰	"	۴۹	جواد رحبری
۱۲۱	بیژن هدا ثی	۱۲۱	"	۵۰	حمید سلطانی
۱۲۲	حمید بلوری	۱۲۲	"	۵۱	قرنی حسنی
۱۲۳	سهراب قاسمی	۱۲۳	"	۵۲	قاسم صغری
۱۲۴	علا الدین شرفحقیقی	۱۲۴	"	۵۳	لطف الله کیوانی
۱۲۵	مرتضی بنی الهی	۱۲۵	"	۵۴	انوشیروان صفا ثی منانی رزمندگان
	محمد رضا خا کسرا رشتیاری		"	۵۵	محمد محمدی
	سودا به با ثی		"	۵۶	محمد دوستدار
			"	۵۷	شهره یلفا ثی
			"	۵۸	سهراب تکیز معمودی
			"	۵۹	جلال الدین قاسمی
			"	۶۰	محمد هادی عالمی
			"	۶۱	محمد علی عالمی

# اسامی ۲۰۷ نفر مبارز که از طرف رژیم (در آذرماه) بعنوان اعدام شدگان اعلام شد، آنها بخش کوچکی از اعدام شدگان در این ماه هستند!

دستگاه آدمکشی رژیم در مدت خمینی همچون با شدت دست اندرکار کشتن مبارزان و انقلابیون وطن ماست. کشتار در جریان، کشتار در دربار شکنجه کشتار در محاکمه ها و بالاخره کشتارهای رسمی. اگر مجموع این کشتارها را در نظر بگیریم خواهیم دید که نه تنها از شدت کشتار کم نشده بلکه حتی با توجه رژیم سرسعودی داشته است. اما رژیم که تحت فشار افکار عمومی جهان نیان قرار دارد و خود را مدعی جبین و انصاف گویند که گویا اعدای آنها از شدت انصاف و بیبدادگی آنها با اطلاع انقلاب با "دقت بیشتری" کار خود را دنبال میکنند! اما اخبار رسیده از درون کشتارگاههای رژیم جنایتکارانگی از آنست که درهای از فشار و ندامت و ندامت بی دادگاهها و سردمداران آنها کم نشده و هر روز دهها مبارز در زیر شکنجه و با بوسه جوجه های اعدام میشوند. مشهوره ولی فرمی که کرده است نسبت که رژیم قفسها را با میوه خشک از دربار نیان خود را اعلام میکنند. نمونه بارز آن اعدام مبارز دلیرمجیدی احمد زاده بود که رژیم محکمه اعدام او را اعلام نکرد.

## بخشنامه های محرمانه یعنی پیشبرد سیاستهای ضد خلقی دوران چشم خلق

رژیم هر چه ضد خلقی تر باشد، هر چه بیشتر مفاعت در مقابل منافع خلق قرار بگیرد بیشتر مجبور به مخفی کردن اهداف و برنامها میشود. از خلق میگوید، از همیسن روست که این روزها در کارخانهات، مدارس ادارات و... نا همدرد و بیخشنا میباشیم. محرمات به یکی پس از دیگری میباشیم. نامها را نه ای ادارات بهتر از هر کسی دیگری به این مسئله واقف میباشند. بخشنا میباشیم زیرا یکی از هزاران بخشنا میباشیم. محرمات نه ایست که رژیم در سایه سر نیزه سعی دارد بر کارمندان زحمتکش تحمیل نماید. رژیم توسط این بخشنا میباشیم قصد دارد از لایحه بازاری تصویبی خود نیز عدول نماید. به این معنی که کسانی که با کسی شده و به نحوی از انحاء حقوق کار کردن از آنها سلب شده ولی بخشی از حقوق خود را دریافت میکنند، مثلاً قبیل از موجودی زنده شده اند و با آنها معامله خدمت شده اند، در صورتی حق دریافت حقوق و مزایای خود را از آنها سلب خواهند داد. نت که تا شیدا دارند با سازمان متبوع خود را همراهداشته باشند. رژیم با این تاکتیک از سونی سعی دارد نیروهای را که تحت تعقیب هستند زمان بگذراند که برای دریافت حقوق خود را جبه می کنند دستگیر نمایند و از دیگری، با آنها نه های گوناگون حقوق آنان را قطع کند. کاری که بر طبق لایحه بازاری قادیبه انجام آن نبود

فرماندهی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۱۳۸۱/۲۳-۲۱۱۰۱  
تهران

بخشنامه های محرمانه رژیم در مورد مبارزان و انقلابیون  
تاریخ: ۱۳۸۱/۲۳  
موضوع: مبارزان و انقلابیون  
محرمانه است. فقط برای اطلاع مبارزان و انقلابیون در دسترس است.  
استاد ارشد ایران  
فصلنامه شماره ۱۴۴  
موضوع: مبارزان و انقلابیون

و هم نیروهای به اطلاع یا کسی شده گسه در حقیقت اکثریت آنها نیروهای مبارز و انقلابی هستند. در این زمینه تحت فشار قرار میدهند. ولی تاریخ همراهمان که تا حال ثابت کرده، با رد دیگر نیز ثابت خواهد نمود که هیچ نیروی قادر نیست با چنین شیوه های سیاسی مبارز را از عووض نماید و مانع رشد مبارزان توده ها و نیروها انقلاب گردند.

## اخبار کردستان

به پیشمرگه ها نان و گوشت داده اند و با سادارها آنها را تهریز کرده اند. شب مردم به دهها زگشتند، تمام مردم با پیشمرگه ها همکاری میکنند، حزب دمکرات تقریباً هر شب به دهات سر میزند و برای مردم صحبت میکند و مردم آنها را میزنند و میزنند. چند نفری از اهالی دهی را به جرم جاسوسی دستگیر کرده بودند که پس از محاکمه تبرئه شده اند. این حرکت تا شیر مثنی بر روی توده ها گذاشت و یک نفر جاسوس را اعدام کردند که مردم می گفتند حقش بود. زیا دامام امام میگرد. با سادارها وقتی به دهه شیخ آمده و آنجا را محاصره کردند، پیشمرگه ها در خانه های مردم موضع میگیرند. بعد از چند ساعت پاسدارها ناموفق بازمی گردند و وقتی می خواهند سرفروند متوجه میشوند که ۸ پاسدار کم وقتی بدنیا آنها میگردند با جسدهای آنها که با تیرو بیبل متلاشی شده بود مواجه میشوند. این عمل باعث وحشت بقیه میشود بدون اینکه به جسدها دست بزنند فرار می کنند، و از خود یک ماشین تیوتا با یک تفنگ کالیبر ۵۰ به جا می گذارند.

۶۰/۱۰/۳ - از روز جمعه گذشته ۶۰/۹/۲۶، درگیری شدیدی بین پیشمرگان و مردم اریکسویا ساداران سرما به وجود آمد و ارتش درگرفته. در مناطق اطراف کامیاران و (ناتینی و اواسانه) در تمام روزهای جمعه و شنبه منطقه سوسیه قانی میباشیم. رژیم ضد خلقی به راکت بسته شده است. مگر ۳ میولانسیهای حامل پاسداران - جاها و ارتشها در رفت و آمد بودند، جنگ تا ۶۰/۹/۲۵ ادامه داشت، تا تاریخ فسون یک پیشمرگه شهید و یکی زخمی و اسیر دشمن گردیده است.

۶۰/۹/۱ - امروز یک ستون ارتشی از بادگان مراغه به طرف بوکان حرکت کرد. در طول تمام ستون ماشین ها به تیرباران های کالیبر بزرگ مجهز بودند و وقتی از ارتشیان پرسیده شد که هوا چه هوا است - ندادند اینها را برای چه میخواهید؟ اظهار می داشتند که این تیربارانها بهترین وسیله برای تعقیب درکوهها میباشند زیرا تیربارانها به محض اصابت با زمین یا هدف منفجر میشوند که ترکش آن میتواند آنها را که در کوهها فرار می کنند از بین ببرد.

سنقر کلیائی - ۶۰/۹/۲۵ - روز پنجشنبه درده سنقر کلیائی از حضور مردم خبری نبود و وقتی از آنها سؤال میشود - میگویند: مردها به کوزه زده اند چون مردم

فدائی شهید رفیق دکتر شفیع سوگرافی: قاتل شفیع در کار شماره ۱۴۰ به جایت رسیده است.



### رژیم جمهوری اسلامی حامی زمینداران دشمن دهقانان

صفحه ۷

### قطعنامه درباره گزارش کمیته موقت مرکزی سازمان

صفحه ۱۷

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد، تروور، شکنجه، زندان نابود باید گردد